

سخنان رئیس جمهور و

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه
در کردستان

اعدام پرسنل انقلابی ارتش

به جرم این اعتقاد که:

باید بدانند ماشه را به خاطر چه
و به سوی چه کسانی می چکانند!

از آغاز جنگ خونین اخیر به هیچ قیمت دست خود را به در کردستان، ارتش دچار تب و تاب و جوش کم بیالایند، پادگانها را به سابقای است سربازان، درجه داران و افسران جز انقلابی که حاضر نیستند

آنچه که در هفته گذشته جناحها و جریان های مختلف درون حاکمیت در باره بحران کردستان بر زبان راندند، دو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد.

۵-۶ صفحه ۲

بقیه در صفحه ۱۶

برای مقابله با امپریالیسم امریکا
اتحاد همه زحمتکشان
یک ضرورت تاریخی است

امروز میهن ما یکی از پراهمیت ترین سنگرهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی است. مبارزه شورانگیز مردم ما تاکنون به پیروزیهای چشمگیری دست یافته است. این مبارزه اینک از مرزهای ایران گذشته و در ابعاد جهانی توجه صدها میلیون زحمتکش در بند جهان سرمایه داری و توجه همه نیروهای مترقی جهان را به خود جلب کرده است. این مبارزه امروز تاروپود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا را به لرزه در آورده است. پیروزی یا شکست مبارزات مردم ما تأثیری عظیم بر مبارزه پرولتاریای جهانی، خلقهای زیر سلطه جهان و کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم جهانی و دولت های دست نشانده آن دارد و هم از این رو است که زحمتکشان جهان، احزاب و سازمان های ترقیخواه جهان اردوگاه سوسیالیستی از جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما بی دریغ و قاطعانه حمایت می کنند و عمیقاً نگران سرنوشت آن هستند و باز از همین رو است که همه دولت های امپریالیستی و رژیم های ارتجاعی دست نشانده جهان در پشت سر امپریالیسم امریکا و علیه مردم ما صف آرای گردانند.

وقتی به اهمیت این مبارزه سرنوشت ساز، به پیوند عمیق آن با مبارزه پرولتاریای جهانی و نیروهای ترقیخواه علیه سرمایه داری جهانی و به تأثیری که هر گام از پیروزی و یا شکست آن بر سرنوشت صدها میلیون زحمتکش ایران و جهان دارد بیاندیشیم، بیش از پیش به اهمیت سیاستهای درست و حرکات و موضعگیری های اصولی نیروهای ترقیخواه میهنمان پی می بریم و بیش از پیش درمی یابیم که هراشتباه نیروهای ترقیخواه سیاسی که بر پیکر این جنبش خراش وارد می کند، چه ابعاد خیانت آمیزی به خود می گیرد و بر عکس هر تلاشی که این جنبش را گامی به جلو راند و این سنگر مبارزه را متحد و استوارتر سازد چه خدمتی عظیم در راه آرمان پرولتاریای ایران و جهان و خلق های ستمدیده ایران و جهان به حساب می آید. وقتی عمیقاً به این واقعیت ها توجه می کنیم سنگینی، حساسیت و عظمت مسئولیتی که تاریخ بر دوش فرد فرد عناصر آگاه و مبارز جنبش کمونیستی ایران گذاشته است،

بقیه در صفحه ۲

نودمین سالگرد تولد رفیق هوشی مین گرامی باد!



مرگ برتر از بردگی است
در سراسر وطنم
بار دیگر پرچم های سرخ در اهتزازند
و درست در این لحظه
باید در درون زندان به سر برم
کی از زندان رها خواهیم شد
تا نقش خود را در جنگ برعهده گیرم
از یادداشت های زندان -
رفیق هوشی مین

نودمین زادروز رفیق هوشی مین رهبر کبیر خلق ویتنام، انترناسیونالیست و میهن پرست انقلابی گرامی باد. یاد رفیق هو و مبارزاتش همواره الهام بخش مبارزات طبقه کارگر و خلق های سراسر جهان خواهد بود.

در این شماره:

یادداشتی از سرپوروز به کردستان
مردم تکران مرکز بودند، خبر تأثیرات "۱۳۷۵" برای همه معلوم کرد
که جنگ ایران به آسانی دست از سر خلق لاد بر نخواهند داشت.
آنجا که شوراها واهی کارگری بر کارخانه حاکم است
کارگران باید با افزایش تولید و بهره وری کار، مانع
تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند
گزارش از اراک:
مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

چه کسانی
به جای صلح، جنگ را دامن می زنند؟
یازدهمین اجلاس
"اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"
باموفقیت به کار خود پایان داد
گرایشات آنارشستی
و سندیکالیستی "پیکار"

نقش اوپک در مبارزه
علیه امپریالیسم!

اخیرا کنفرانس اوپک در طائف یکی از شهرهای عربستان سعودی برگزار شد. عربستان سعودی با جمعیتی نزدیک به ۹ میلیون نفر بزرگترین صادر کننده نفت در کشورهای عضو اوپک است. کشورهای امپریالیستی با همکاری رژیم حاکم بر نزدیک به ۹ میلیون نفر

بقیه در صفحه ۲

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

تکمیل سازمان دانشجویی فرزندان

سخنران رئیس جمهور و

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه در کردستان

امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تاجه اندازه برای بهرشت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه "جنگ تحمیلی" را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تاجه اندازه برای بهرشت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه "جنگ تحمیلی" را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال

این حقیقت که بحران کردستان با راه حل های نظامی نمی تواند خاتمه یابد در عین حال از آموزش های بزرگ تاریخی نیز ناشی می شود. خلق کرد امروز متشکل و سازمان یافته است و بر حقوقی که سالهای متمادی برای آن مبارزه کرده است آگاهی و ایمان کامل دارد.

جناحها و جریان های مختلف درون حاکمیت درباره بحران کردستان بر زبان راندند دو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد. در کنار نیروهایی که آشکارا از جنگ و ادامه جنگ در کردستان سخن گفتند، رئیس جمهور، ضمن تأکیدهایی که بر اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی و مقابله با کسانی که این حاکمیت را زیر علامت سؤال قرار داده اند کرده، از امکان تحقق صلح آمیز مطالبات خلق کرد و ضرورت کوشش برای پایان دادن به جنگ کردستان سخن گفت و تأکید کرد که امکان حل صلح آمیز بحران کردستان وجود دارد و باید از چنین امکانی بیشترین بهره گیری را کرد. رئیس جمهور با انتخاب داریوش فروهر برای مذاکرات صلح کردستان گام عملی مثبتی به جلو برداشت. این به گمان ما، این بخش از مواضع رئیس جمهور از جانب همه آن کسانی که قادرند بحران کردستان را در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا به سرگردمی امپریالیسم آمریکا مورد بررسی قرار دهند نمی تواند مورد استقبال قرار نگردد.

برای مقابله با امپریالیسم

امروز از سوی مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا در ابعاد وسیع جریان دارد و خلق ما در این مبارزه دشوار از حمایت همه نیروهای ترقیخواه جهان برخوردار است و از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا با تکیه بر طبقه سرمایه دار ایران و به کمک انبانی خود و شبکه های جاسوسی خویش که حتی الامکان تقویت کرده است همه نیرو و تجربه خویش را برای دلسرد کردن و سرخورده ساختن زحمتکشان ما از افزایش دهد و این تومر را در بخش هایی از مردم که هنوز به آگاهی کافی نرسیده اند، ایجاد کند که گویا رژیم سرسپرده بختیار می توانست شرایطی بهتر از امروز برای مردم فراهم سازد و در همین حال با تبلیغات گسترده خویش از رادیوها و مطبوعات رسمی و غیر رسمی خویش و از بلندگوهای دولت های ارتجاعی از یک طرف تلاش دارد زمینه های اقدامات نظامی را در ایران فراهم سازد و از طرف دیگر روحیه بازماندگان رژیم سابق، طبقه سرمایه دار ایران، زمینداران بزرگ و فرماندهان امریکایی ارتش و هزاران ساواکی را تقویت کند و با بهره برداری از سیاست های نادرست دولت و حرکات سرکوبگرانه آن و ناراضی رو به افزایش مردم، زمینه را برای نیرو گرفتن و قدرت رساندن محافل وابسته به خود هموار سازد.

بقیه از صفحه ۱

دست نشانده خود را در ایران بر سر کار آورده و بدین ترتیب جنبش ضد امپریالیستی خلق های ایران را با خطر جدی روبرو ساخته و سرکوب کند. با این چشم انداز است که اوضاع و شرایط کنونی میهنمان را بسیار حساس می بینیم. روزهایی سرنوشت ساز در پیش داریم. روزهایی که هر نیروی ترقیخواه و ضد امپریالیست و هر کس که قلبش برای استقلال و آزادی ایران می تپد باید با احساس مسئولیت کامل و به دور از هرگونه ناشکیبایی و داوری های عجولانه به استقبال آن برود و اگر نه می تواند اشتباهاتی مرتکب شود که تاریخ از آن به عنوان خیانت یاد خواهد کرد. با این چشم انداز می بینیم که بیش از هر زمان دیگر باید همه سلاحها و قلمها به سوی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن نشانه رود و باید کاری کنیم که چنین شود.

امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی آن بیش از هر زمان دیگر بر آن شده اند که به هر قیمتی شده مبارزه طبقاتی مردم ما را علیه امپریالیسم به مبارزه میان صفوف مردم بدل کنند و با ایجاد و دامن زدن به جنگ برادرکشی وحدت خلقها و زحمتکشان ایران را خدشه دار سازند. امپریالیسم جهانی می کوشد مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری و مبارزه دهقانان زحمتکش را علیه زمینداری بزرگ به مبارزه میان خلقها، مبارزه میان نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست تبدیل سازد و تا آنجا که می تواند در صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست شکاف ایجاد کند. و این در حالی است که محافل جنگ افروز و سرکوبگر درون هیئت حاکمه که فاقد هرگونه تجربه سیاسی بوده و بخاطر اعمال و حرکات ضد دموکراتیک و خشونت بار خود تاکنون میلیون ها تن از مردمی را که در جریان سرنوشتی شاه عادلانه در مبارزه شرکت داشتند منتقل ساخته و با به طرفداری از جبهه لیبرالها واداشته است، هنوز به اعمال جنگ افروزانه و ضد دموکراتیک خود ادامه می دهند و درست در برابر این محافل جریانات انحراف به چپ جنبش کمونیستی و لیبرالها روز بروز بیشتر به اعمال آوارشیستی و شعارهای سرنوشتی کشنده می شوند و ناگفته پیداست که این دو یبوسته بر هم تاثیر می گذارند و هر یک زمینه و بستر حرکات مخرب دیگری را فراهم می کند و اگر وضع بدین منوال پیش رود صفوف ضد امپریالیستی توده ها چنان تضعیف می شود و تشنج و درگیری و خشونت میان مردم چنان بالایی گیرد که نتیجه اجتناب ناپذیر آن قدرت گرفتن جبهه ضد انقلاب و به قدرت رسیدن حکومت دست نشانده امپریالیسم امریکاست.

ما رئیس جمهور را به این واقعیت توجه می دهیم که تلاش برای سرکوب نظامی خلق کرد و سازمان های سیاسی رهبری کننده آن چیزی جز آسیب رساندن جدی به هدفها و آرمان های مردم ما نیست و فکر می کنیم که رئیس جمهور به آن اندازه از تجربه و آگاهی سیاسی و تاریخی برخوردار است که این را درک کند که بحران کردستان به هیچ رو از راه نظامی حل نخواهد شد بلکه اقدامات نظامی صرفا به گسترش جنگ برادر کشی دامن خواهد زد و ابعادی فاجعه آمیزتر از پیش

با این حال ما لازم می دانیم آشکارا اعلام داریم که دعوت به مذاکره رئیس جمهور راه اگر بخواید واقعا به پیش رانده شود اقدامی مثبت تلقی میکنیم و هم از آن استقبال به عمل می آوریم و آماده ایم در جهت پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم میهنمان و تحکیم صفوف خلق های قهرمان ایران در راه استقرار صلح عادلانه که حقوق دموکراتیک مردم کردستان را زیر پا نگذارد و چارچوب مطالبات حق طلبانه آنان را درهم نشکند، از هرگونه کوششی کوتاهی نکنیم.

رئیس جمهور بازم حاضر نشد عاملین فاجعه ترور رهبران خلق ترکمن را به مردم معرفی کند

با اینکه آقای رئیس جمهور در مناظره تلویزیونی به مردم قول داده بود جنایتکارانی که رهبران خلق ترکمن را در زندان جمهوری اسلامی به شهادت رساندند معرفی و مجازات کند، اما تاکنون هیچ گامی در این جهت برنداشته است.

اخیرا رئیس جمهور در روزنامه انقلاب اسلامی چنین نوشته است:

"... روش رئیس جمهوری بر قاطعیت است... استوار ایستاده است تا حاکمیت دولت (یعنوان بنی صدر) درهمه جا برقرار شود. هیچ چیز را از یاد نمی برد. همانطور که در برابر این گروهها می ایستد، در برابر کسانی هم که خود را هوادار جمهوری اسلامی می دانند اما خود سری می کنند، می ایستد. به این گروه نیز هشدار می دهد که هنوز از یاد نبرده است که ۴ نفر در گنبد بدون آنکه سزاگانه بشوند، از بین برده شدند و هروقت باشد عاملان این کار را پیدا می کند و به مجازات می رساند."

(انقلاب اسلامی - ۲۳ اردیبهشت) ما بار دیگر تأکید می کنیم که بدون معرفی و مجازات این جنایتکاران، این فجایع بازم اتفاق خواهد افتاد. آقای رئیس جمهور اگر واقعا خواستار آزادی، راه سیاسی و معانیت از اعمال جنایتکارانه باند های سپاه است، باید عاملین این جنایات را که برای رئیس جمهور کاملا شناخته شده هستند، به مردم ایران معرفی کند.

بر این اساس ما مصمیم که بیش از پیش برای استقرار صلح در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم و از تلاش های صلح طلبانهای که در برخی محافل حکومت دیده می شود استقبال می کنیم. ما موظفیم عناصر جنگ افروز را چه محافل جنگ افروز حکومت و چه آنها که با چپ رویها و حرکات آوارشیستی خود بزرگترین خیانتها را به جنبش ضد امپریالیستی خلق ما روا می دارند و زمینه رشد گرایشات ضد دموکراتیک و جنگ افروزانه جناحهایی از حکومت را فراهم می کنند و بدینسان جنگ ضد امپریالیستی مردم را به جنگ میان مردم تبدیل می کنند، افشا کنیم. ما مصمیم با توجه به مسئولیت عظیم سازمان با حرکات آوارشیستی و شعارهای سرنوشتی به ویژه حرکات چپ روانه ای که توسط آوارشیست ها در میان طبقه کارگر میهن ما دامن زدن می شود به گونه ای همجانبه مبارزه کنیم. ما باید کاری کنیم که به جنایتکارانی که دستور کشتار دانشجویان زندانی را می دهند باند های سپاه را رهبری می کنند و می خواهند جنگ داخلی را به بندازند، بتوانند مبارزات درخشان خلق ما را به انحراف کشند و یکه تاز میدان قدرت باشند و دهنبروها و عناصری که با حرکات چپ روانه خود عملا در کنار امپریالیسم قرار گرفته و بزرگترین ضربات را به جنبش میهن ما وارد می سازند، بتوانند جنبش را به انحراف کشند، امروز طبقه تک تک اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که در این راه بکوشند و با قاطعیت و ایمانی استوار به میان مردم بروند و آنان را از حقایق آگاه سازند و طریق درستی را که باید در پیش گیریم، تبلیغ و ترویج نمایند.



به جرم داشتن عقاید سیاسی معلمان را اخراج می‌کنند!

نقش اوپک در مبارزه با...

بقیاض صفحه ۱

می‌توان در تصمیم‌گیری کشورهای اروپای غربی و ژاپن در مورد تحریم اقتصادی ایران و یا تحریم مبادلات تجاری با شوروی به خوبی مشاهده نمود.

در کنفرانس اخیر اوپک در طائف جناح مترقی و ضد امپریالیست توانست تا حدودی نظریات خود را پیش برد و برای بررسی همه‌جانبه‌تر مسائل نفت پیشنهاد شد که وزیران خارجه کشورهای امپریالیستی و نفت و دارایی کشورهای اوپک برای بررسی روابط کشورهای تولیدکننده نفت و مصرف‌کنندگان عمده صنعتی کنفرانسی تشکیل دهند. همچنین تصویب شد که برای قیمت گذاری نفت خام اوپک با توجه به تورم و تغییر ارزشها و میزان رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی سیستمی تعیین شود یکی از مهمترین تصمیمات کنفرانس اوپک در طائف چنین بود که هیچ یک از کشورهای عضو اوپک میزان تولید خود را برای جبران کاهش تولید نفت ایران افزایش ندهند.

تصمیم دیگر اوپک به نقل از مصاحبه معین فر وزیر نفت (اطلاعات ۲۵ اردیبهشت ۵۹) در مورد پیوند دادن قیمت گاز صادراتی کشورهای عضو اوپک یا بهای نفت خام بود. طبق این تصمیم افزایش آتی قیمت گاز تابع افزایش قیمت نفت می‌گردد. کنفرانس مشترک ایران - الجزایر - لیبی برای ایجاد جبهه مشترک در سیاست‌های صادراتی نفت در تضعیف کشورهای نظیر عربستان سعودی بی تاثیر نبوده است و اقدامی در جهت مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اتحاد عمل این کشورها در گام‌های نخست خود سبب افزایش قیمت گاز صادراتی الجزایر شد. این اتحاد عمل در کنفرانس طائف اثرات خود را در افزایش قیمت‌های نفت و گاز و کاهش تولید و صادرات نفت خام برجای گذاشت. و همچنین کوششی در جهت قیمت‌گذاری واقعی نفت بود.

عربستان سعودی روزانه نزدیک به ۹/۵ میلیون بشکه نفت خام مردم عربستان را چپاول می‌کنند و اکثریت مردم عربستان در ابتدائی‌ترین شرایط زندگی به سر می‌برند. سیاست نفتی رژیم حاکم بر عربستان سعودی به عنوان اهرمی علیه کشورهای مترقی و ضد امپریالیست عضو اوپک بکار می‌رود. رژیم حاکم بر عربستان سعودی سیاست دیکته شده توسط انحصارات امپریالیستی را مو به مو اجرا می‌کنند. نقش دولت عربستان و دیگر رژیم‌های دست‌نشانده امپریالیسم در اوپک، در شرایط کنونی که امپریالیسم جهانی با بحران انرژی و مشکلات اقتصادی دست به گریبان است، بیش از هر زمان متوجه سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اکنون کمبود و گرانی منابع انرژی و به ویژه نفت به شکل حادی بروز کرده است و مستقیماً در مجموع سیستم تولیدی امپریالیسم تاثیر می‌گذارد و در جهت تشدید بحران کشورهای امپریالیستی عمل می‌کند.

مبارزه ضد امپریالیستی رو به گسترش خلق‌های سراسر جهان مواضع کشورهای مترقی و ضد امپریالیست در اوپک را تقویت نموده و اکنون جناح نیرومندی را در اوپک تشکیل داده است. تا جایی که دیگر سیاست انحصارات امپریالیستی که از طریق کشورهای نظیر عربستان سعودی بر اوپک اعمال می‌شد نمی‌تواند بطور یکجانبه به پیش رود.

وابستگی مطلق کشورهای امپریالیستی به ویژه اروپای غربی و ژاپن به نفت صادراتی کشورهای اوپک و رشد مبارزه ضد امپریالیستی در کشورهای عضو اوپک، که در کاهش تولید و افزایش قیمت نفت صادراتی خود را نشان می‌دهد بحران انرژی را عمیق‌تر کرده است. بحران انرژی در شرایط کنونی بیش از هر زمانی سبب تشدید تضادهای کشورهای امپریالیستی شده است. و ایجاد این تضاد را

زندانی می‌انداختند و شکنجه می‌کردند؟

۵- من ۱۷ سال در بدترین شرایط در ایلات و روستاهای فارس معلم بوده‌ام بر علیه رژیم شاهنشاهی جنگیده‌ام - زندان رفته‌ام شکنجه شده‌ام و اکنون هم با عوامل خان و عوامل ساواک در ستم‌هام. آیا شما چنین افرادی را نمی‌توانید تحمل کنید؟ من چنین نام‌های خصوصیت‌آمیز را توهین به مقام معلم می‌دانم و علیه مومنی مدیر کل آموزش عشایر و کنترائی معاون وزارتخانه اعلام جرم می‌کنم وزارت آموزش و پرورش و سایر مسئولین قضائی موظفند در قبال این مسئله پاسخگوی تصمیمات خود در برابر مردم عشایر - فرهنگیان و دانش‌آموزان و دانشجویان باشند.

رونوشت به نشریه "گار"

بسمه تعالی
آقای اشکبوس طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران اداره کل آموزش عشایر! به موجب دستور تلفنی بامداد روز ۳۰ فروردین ۵۹ جناب آقای کنترائی معاونت محترم وزارت آموزش و پرورش هیچگونه سستی در وزارت آموزش و پرورش ندارید.

خلیل مومنی
مدیرکل آموزش عشایر

اخیراً در وزارت آموزش و پرورش، برای سرکوب آزادی اندیشه و عقاید سیاسی به اخراج معلمان و دبیران آموزش و پرورش دست می‌زنند. این شیوه سرکوب که نشانه ورشکستگی ایدئولوژیک و اخلاقی طراحان آن است، بدون تردید با اعتراضات و سیع مردم، معلمان و دانش‌آموزان روبرو خواهد شد و شکست و رسوائی حتمی طراحان آن را به دنبال خواهد داشت در زیر نامه یکی از دبیران آموزش و پرورش را به وزیر آموزش و پرورش که در اعتراض به اخراج خود نوشته است، می‌خوانید

۳- مگر در دوران انقلاب می‌توان هنوز به سبک و سیاق "ساواک" در ادارات و مدارس تفتیش عقاید کرد؟ آیا این مخالف نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی نمی‌باشد؟ چگونه می‌شود هنوز در اطاق‌های در بسته با ۳ نفر جلسه گرفت و به نام کمیته پاکسازی؟ انقلابی‌ترین و مبارزترین معلمان را اخراج تهدید و اخطار داد؟ آیا نباید ماهیت اعضای کمیته به اصطلاح پاکسازی برای مردم عشایر و معلمان و کارمندان، دانش‌آموزان مشخص گردد؟ آیا امکان ندارد وابستگان رژیم شاه و رستاخیزی‌های دوران سیاه دیکتاتوری در راس چنین کمیته‌هایی قرار گرفته باشند؟

۴- راستی در جمهوری اسلامی هر معلمی که بر علیه ساواکی‌ها - طاغوتی‌ها و فتوادل‌ها افشاگری کرد و مبارزه نمود باید به دست‌شما تصفیه گردند؟ پس چه فرق است بین شماها و حکومتگران قبلی که معلمان مبارز را از کار برکنار می‌کردند و به

جناب آقای رجائی وزیر آموزش و پرورش ایران احتراماً، در تاریخ دوم اردیبهشت ماه جاری از طرف اداره کل آموزش عشایرنامه‌ای کوتاه با امضای آقای مومنی مدیر کل آموزش عشایر به دستم رسید که مضمونش چنین است " آقای اشکبوس طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران طبق دستور تلفنی آقای کنترائی معاون وزارت آموزش و پرورش از این تاریخ هیچ سمتی در آموزش و پرورش ندارید. ۱۹۱۹؟ خیلی جالب و بحث‌انگیز است! برای هر انسانی این سؤال مطرح می‌شود: ۱- مگر کارمندان و فرهنگیان آموزش و پرورش تلفنی استخدام شده‌اند که باید تلفنی برکنار شوند؟ ۲- مگر می‌شود در جمهوری اسلامی که خودش را طرفدار قانون الهی و انسانی می‌داند بدون محاکمه، بدون دلیل، به صورت شاهنشاهی کارمندان را و معلمان را عزل و نصب کرد؟

تجاوز به حقوق دهقانان زحمتکش «پیرلوانگوت»

اردبیل

لیکن هیچ نتیجه‌ای از این شکایات عایدشان نشده است. مسئولین ژاندارمری و پاسداران منطقه از همان ابتدا جانب غاصبین زمین را گرفته‌اند و به شکایات روستائیان هیچ ترتیب اثری نداده‌اند.

روستائیان مرفه این زمینها را غصب کرده و کاشته‌اند. زحمتکشان روستا برای جلوگیری از تجاوزات آنها، تاکنون بارها بطور دسته‌جمعی به "گرمی" و "تازه‌کند" رفته و به ژاندارمری و سپاه پاسداران شکایت برده‌اند.

"پیرلوانگوت" از روستاهای شهر اردبیل است در این روستا زمینی بوسعت ۱۲۰۰۰ هکتار وجود دارد که به تمام روستائیان تعلق داشته و برای چرانیدن گوسفندان بطور جمعی مورد استفاده واقع می‌شده است در چند ماهه اخیر دو تن از

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

یازدهمین اجلاس

"اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"

باموفقیت به کار خود پایان داد

پروزی مبارزات زحمتکشان روستا، از جمله مسائل مهمی بود که مورد بررسی قرار گرفت. یکی از اعضای "اتحادیه" ضمن سخنرانی در مورد اهمیت سیاسی و اقتصادی برداشت محصول، خاطر نشان ساخت که: "مسئله درو و برداشت محصول امسال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا برداشت موفقیت آمیز محصول امسال در واقع نشانه پیروزی روز افزون زحمتکشان ترکمن صحرا در تمامی زمینه‌ها، از جمله امر تولید است."

او سپس در رابطه با چگونگی تقسیم کار به هنگام برداشت، حفاظت از محصولات درو شده، جلوگیری از اقدامات خرابکارانه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ سخن گفت و یادآوری کرد که حفظ محصول و کوشش در افزایش تولید گندم و جلوگیری از ضایعات در جهت مبارزه با امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن است. ما باید برای مقابله با محاصره اقتصادی آمریکا، گندم بیشتری برداشت نماییم.

شرکت کنندگان در "اجلاس" پس از این سخنرانی، در مورد کارشناسی عناصر ضد خلقی در امر برداشت محصول و حمایت پاره‌ای از مقامات مسئول از زمینداران بزرگ به مذاکره پرداختند و به این نتیجه رسیدند که:

"این وظیفه شوراها است که ماهیت این اعمال را برای مردم توضیح دهند و به آنها نشان دهند که ان شیوه‌ها راه به جایی نمی‌برد و گواه این امر هم پیروزی‌های چشمگیر خلق ترکمن در سال گذشته، علیرغم سرکوب و کشتار خونینی است که به آنها

تحمیل شد. مسئله زحمتکشان غیر ترکمن (سیستانی‌ها) نیز از جمله مسائلی بود که در "اجلاس" به بحث گذاشته شد. اعضای اتحادیه متفقا بر همبستگی مبارزاتی همه خلقها تاکید کرده و ضرورت تقویت هر چه بیشتر زمینه‌های وحدت "سیستانی‌ها" و "ترکمن‌ها" را که همه توسط یک دشمن مشترک یعنی طبقه سرمایه‌داز و زمینداران بزرگ، استثمار می‌شوند، یادآور شدند. در این رابطه تصمیم بر آن شد که به منظور افشای سیاستهای ارتجاعی دولت و فئودال‌ها برای ایجاد درگیری بین زحمتکشان ترکمن و "سیستانی" از تجربه تشکیل "شورای مرکزی" مرکب از نمایندگان شوراها و همه ملیت‌ها اعم از ترکمن و غیر ترکمن استفاده شود.

در پایان نشست، از آنجا که هنوز مسائل مهمی وجود داشت که می‌بایست در موردشان تصمیم‌گیری شود قرار شد کنگره شوراها هرچه زودتر برگزار شود.

برگزاری موفقیت آمیز اجلاس "اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا" نشانه رشد و گسترش مبارزات عادلانه خلق ترکمن و پیروزی جدیدی در راه تأمین صلح زمین و آزادی برای زحمتکشان است.

جانبازی‌های زحمتکشان ترکمن صحرا و موفقیت روز افزون روشنفکران انقلابی آن در راه آگاه نمودن و تشکل توده‌ها بدون تردید دستاوردها و تجربیات گرانبهایی برای دهقانان سراسر ایران دربر خواهد داشت.

سازمان ما، پیروزی نوین خلق ترکمن را با گرم‌ترین درودها، به دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا و اتحادیه سراسری شوراها و خلق ترکمن، شادباش می‌گوید.

یازدهمین نشست اعضای اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا، به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون چگونگی برداشت محصول، وظایف و برنامه شوراها و دهقانی در فصل درو، و... در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۵۹ برگزار شد و با اتخاذ تصمیمات مهمی باموفقیت به کار خود پایان داد.

شرکت کنندگان در "اجلاس" ابتدا، با اعلام یک دقیقه سکوت، خاطره شهدای به خون خفته خلق، از جمله شهیدان جنگ تحمیلی اخیر ترکمن صحرا را گرامی داشتند. آنگاه یکی از اعضای "اتحادیه"، برگزاری یازدهمین اجلاس آن را شادباش گفت و سخنانی درباره اهمیت شوراها و اتحادیه سراسری بیان داشت و گفت:

"اتحادیه سراسری" که در راه کسب حقوق از دست رفته دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا مبارزه می‌کند همواره با کینه و دشمنی زمینداران بزرگ روبرو بوده است. این دشمنی برای ما دهقانان و زحمتکشان نشانه حقانیت "اتحادیه سراسری" است. ما تلاش و توطئه‌های زمینداران بزرگ را برای درهم شکستن "اتحادیه سراسری" خنثی خواهیم کرد و بر آنان پیروز خواهیم شد."

اعضای اتحادیه سپس به بحث و بررسی پیرامون مسائل مختلف پرداختند. برداشت محصول و نقش "اتحادیه سراسری" در این رابطه، جنگ تحمیلی کردستان، حمله به دانشگاهها به بهانه انقلاب فرهنگی، کوشش سراسری برای نابودی تشکلهای صنفی - سیاسی دانشجویان، شکست تجاوز نظامی آمریکا، اهمیت اول‌ماه مه و نقش طبقه کارگر در

دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم جهانی

علیه مردم ما بسیج شده‌اند.

چندی است که تبلیغات امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن دامنه و وسعت چشمگیری یافته است. اینک دشمنان مردم که منافع خود را در معرض نابودی می‌بینند سازمان یافته تر و بی‌پروا تر دست به کار شده‌اند. رادیوهای تبلیغاتی امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن کوشش می‌کنند با به راه انداختن تبلیغات پر سر و صدا به اتکای خواست‌های برآورد نشده مردم و با بهره‌گیری از ناراضی‌ها و عصبان‌های در حال گسترش آنان نیت پلید خود را پیش برند. سیاست تبلیغاتی آنان هدف‌های زیر را دنبال می‌کند.

- ۱- با پخش اخبار و مطالب نادرست سعی دارد تا جهت و سمت مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنمان را از سنت اصلی خود منحرف کرده و توده‌ها را از ادای مبارزات خویش دلسرد کند.
- ۲- مخدوش کردن مرز میان دوستان واقعی مردم با دوستان و جاسوسان امپریالیسم.
- ۳- ضربه زدن به مبارزات حق طلبانه خلق‌ها و لوث کردن مبارزات برحق آنان، به ویژه لطمه وارد کردن به جنبش مقاومت خلق کرد.
- ۴- کسب حیثیت برای خود از طریق نزدیک جلوه دادن خود به نیروهای انقلابی.
- ۵- اشاعه و رواج فرهنگ مبتذل.
- ۶- سازماندهی و هدایت ایادی امپریالیسم در ایران. با توجه به اهداف این سیاست، افشای نیت پلید امپریالیسم که با کمک دوستان و جاسوسان داخلی تبلیغ می‌شود، جزء وظایف انقلابی نیروها و سازمانهای ترقیخواه است. وظیفه نیروهای آگاه و انقلابی است که برای مردم نقشه‌های جدید تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا و عواملش مانند بختیار را توضیح دهند. و نگذارند امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن مردم ما را بفریبند.

اغدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد که:

باید بدانند ماشه را... بقیه از صفحه ۱۶

منصور حاج قاسمی همچنانکه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه نیز درج شده است، صرفا به خاطر مبارزه برای ایجاد شوراها و داشتن معتقدات سیاسی ترقیخواهانه بوده است.

ستوانیار سوم، منصور حاج قاسمی، تنها به این دلیل اعدام گردید که معتقد بود: "باید بدانند ماشه را به خاطر گی و به سوی چه کسانی می‌چکانند!" پرسنل انقلابی ارتش اعتقاد دارد که کشف تمامی توطئه‌های طرفداران شاه و امپریالیسم آمریکا در درون ارتش و کوشش در جهت اتحاد عمل با نیروهای ضد امپریالیست درون ارتش به منظور خنثی کردن امپریالیسم

اقدامات شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم آمریکا وظیفه مبرم کنونی آن است، اعدام ستوانیار سوم، منصور حاج قاسمی بدون تردید، به پرسنل انقلابی ارتش نیرو و استواری بیشتری برای پیشبرد ترقیخواهانه‌شان خواهد داد.

ما اعدام ستوانیار سوم، منصور حاج قاسمی را شدیداً محکوم می‌کنیم و به همه مقامات مسئول هشدار می‌دهیم که این اقدامات به تشدید پراکندگی صفوف مردم و ضد امپریالیست و انقلابی خواهد انجامید و تنها به سود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



گزارشی از اراک :

مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

از روزهای قیام تا انتخابات ریاست جمهوری، اعتماد توده‌ها به مسئولین حکومتی، یک سیر نزولی مشخصی را پیموده است. در این میان "آیت الله خمینی" باموضع گیری‌های خاص خود همچنان حلقه‌ی اتصالی است بین توده‌ها و حکومت. ایشان در مجموع توانسته‌اند گرایش توده‌ها را به نفع حاکمیت - نسبتا - حفظ نموده و در توقعات و انتظارات رفاهی توده‌ها - به نوعی - تعدیل ایجاد نمایند. در واقع این حلقه‌ی اتصال توانسته است تا حدودی سیاست " صبر و انتظار" را جایگزین اعتراضات مردم نماید. لیکن این نگرش به هیچ وجه نباید بنین این گرایش باشد که پس توده‌ها خواست‌های رفاهی خود را - در این مدت - رها کرده‌اند.

واقعیات نشان می‌دهد که اعتراضات اقتصادی - سیاسی نوین توده‌ها - از روزهای بعد از قیام تا امروز - تکامل جنینی خود را طی کرده و می‌رود که با جلوه‌های جدیدی از حیات، مراحل بعدی خود را آغاز نماید. بی‌توجهی به این مساله برای جنبش کمونیستی ایران خطری جدی در بر خواهد داشت.

ارزیابی نقطه نظر توده‌ها به روشنی نشان می‌دهد که دیگر سیاست " صبر و انتظار" بطور محسوس جای خود را به " بیان آشکار خواست‌ها" داده است. مثلا با هر که صحبت کنی، گرانی را به عنوان یک امر واقع و پدیده‌ای غیرقابل انکار می‌پذیرد.

متعصب‌ترین افراد مذهبی نیز که باور داشتند " برای نان و خربزه انقلاب نکرده بودند" اکنون از گرانی دل خونی دارند و مانند همه زحمتکشان کلافه شده‌اند. اقشار میانی نیز در نهایت، ناراضی هستند و حتی لایه‌هایی از گروه‌های مرفه مردم نیز، "گرانی" را انکار نمی‌کنند.

از بین ۲۷۰ نفر از طبقات و اقشار مختلف که مورد ارزیابی قرار گرفته، تنها ۱ نفر آدم خیلی مرفه آنهم در برخوردی کاملا سطحی و گذرا گفته:

" هیچ چیز گران نیست. " می‌شود به جرات گفت:

گزارشی که در زیر می‌خوانید حاصل تحقیق و مطالعه رفقای ما در اراک است. این گزارش با جمع‌بندی نظریات ۲۷۰ نفر از اقشار متفاوت مردم اراک تهیه شده است. ما اقدام رفقا را در تهیه چنین گزارشی ستایش می‌کنیم و خاطر نشان می‌سازیم که تنظیم گزارشات صحیح، عینی و منطبق بر واقعیات، وظیفه‌ی انقلابی است که ما را در شناخت صحیح وضعیت مردم و اتخاذ تاکتیک‌های درست یاری می‌رساند. ما از همه رفقا می‌خواهیم که با تنظیم و ارسال چنین گزارشی نقش فعال‌تری در پیشبرد صحیح وظایف انقلابی بر عهده گیرند.

رفقا! جنبش کمونیستی ایران در شرایط کنونی به شناخت هر چه عینی‌تر از "وضعیت مردم" و "جامعه" نیازمند است و این نیاز را ما موظفیم با گوش پی‌گیر همه رفقا برطرف سازیم.

با پرفروغ‌ترین امیدهای کمونیستی برای شما

مشکل "گرانی" به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار صددرصد در بین تمامی طبقات و اقشار مردم این شهر به صورتی حاد مطرح است و دیگر جای تردید و بحث باقی نگذاشته است. در نتیجه تنها نکته‌ای که این گزارش - در حد توان خود - بدان توجه نموده است، نوع برخوردها و عکس‌العمل‌هایی است که مردم نسبت به پدیده‌ی "گرانی" از خود نشان داده‌اند.

۱- اقشار تحتانی کارگران و سایر زحمتکشان شهروروستا: در حدود ۶۰ درصد از افرادی که در این بخش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، از گرانی و کمبود مواد اولیه زندگی کاملا "کلافه" به نظر می‌رسند. ۴۰ درصد بقیه نیز به شدت اظهار ناراضگی کرده‌اند. گاهی اعتراضات شکل "ضجه" به خود گرفته است: " پدرومون درآمده"، "ای آقا، باید سرمونوبذاریم و ببیریم"، " می‌سوزیم و می‌سازیم"...

نکته‌ای که در این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شناختی است که توده‌ها نسبت به کشف ریشه‌های اصلی "گرانی" پیدا کرده‌اند. عموما می‌گویند "علت همه این گرانی‌ها سرمایه‌داران و امریکایی‌ها هستند".

یک موج مخالفت آشکار علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم در رابطه با فشارهای اقتصادی شکل گرفته است که آهنگ رشدش بسیار تند است در این رابطه آهنگ رشد آگاهی‌های سیاسی - طبقاتی توده‌ها بسیار چشمگیر است. استدلال "دکاندرها" عامل گرانی‌اند" در بین توده‌ها رنگ باخته است. حتی آن‌جائی که از

"فروشنندگان" و "محتکران" صحبت به میان می‌آید بیشتر عمده فروشها و سرمایه‌داران مورد نظرشان است. دیگر به ندرت می‌شود در بین توده‌ها کسی را پیدا کرد که "کمیتها" را عامل گرانی قلمداد کنند. در این بخش تنها ۲ مورد از این نحوی تفکر دیده شده است.

جملات زیر را توده‌های مردم در گفتگوهای خویش تکرار می‌کنند: "گفتیم بنی‌صدر وضع را درست می‌کند که فقط حرف می‌زند، اهل عمل نیست"، "همان وعده و وعده‌های زمان شاه" این دولت هم دولتی نیست که به فکر ما باشد" به جز امام همه‌شون امریکائی‌اند"...

شورای انقلاب و بسیاری از لیبرال‌های درون حاکمیت اتوریته‌ی خود را از دست داده‌اند مخالفت‌های آشکاری نیز با "بازرگان" شروع شده که قبلا به ندرت در بین مردم عادی اراک دیده می‌شد. بطور مشخص او را "سرمایه‌دار" و "سازشکار" می‌نامند.

روستائیان بیشتر یا خشم و کینه از "گرانی" و "مسئولین حکومتی" صحبت می‌کنند. در روستاهائی که مساله‌ی ارضی مطرح است، در بین روستائیان که دنبال وام به ادارات کشیده شده‌اند انگیزه‌های تازه‌ای از بی‌اعتمادی به وجود آمده، که نتیجه‌ی سیاست دوپهلویی است که وزارت کشاورزی در برابر مطالبات دهقانان و مساله‌ی زمین اعمال کرده است.

عده‌ای نیز "مردم" را مقصر دانسته‌اند که تعدادشان ناچیز است. این دسته از زحمتکشان می‌گویند:

" بنی صدر تازه روی کار آمده، باید ببینیم چه می‌کند؟"، " دولت باید همه‌چیز را خودش کنترل کند"، " باید از طریق تعاونی‌ها فروش اجناس کنترل شود"، " در اسلام صبر هست باید صبر کرد"، " بنی‌صدر می‌تواند وضع را درست کند، آخر او نماینده‌ی امام است" و...

یک نفر نیز گفته است: این گروه‌ها نمی‌گذارند. در مجموع کسانی که نظریاتشان زمینه‌هایی از استدلال‌های فوق را به همراه دارد، کاملا در اقلیت می‌باشند.

۲- لایه‌های میانی کارگران و خرده بورژوازی: اساس تفکر توده‌های این بخش نیز با قسمت اول تفاوت چندانی ندارد. جز آنکه استدلالات آنها - کم و بیش - رنگ و بوئی از تاریخ سیاست و اقتصاد را نیز به همراه دارد. بررسی خواست‌ها و نظریات مردم به وضوح نشان می‌دهد: آنجا که اعتراضات و مبارزات توده‌ها ناشی از یک مشکل مشترک و ملموس‌تری باشد، اقشار و طبقات خلق به هم نزدیک شده و به روشنی می‌شود در بین آنان اعتقادات مشترکی یافت.

کسیه نیز گرانی را از "بالا" دانسته و عامل آن را "سرمایه‌داران" می‌دانند. در استدلال آنان غالبا دو وجه مشخص دیده می‌شود. اول آنکه گرانی را مشخصا به سرمایه‌داران نسبت می‌دهند. دوم آنکه سعی میکنند با این استدلال توجیهی نیز برای گران - فروشی‌های خود پیدا کنند. رویهمرفته کسیه درباره‌ی مشکل گرانی، واقعا با مردم به نوعی اظهار همدردی

می‌کنند. زنان زحمتکش اراک در بیان اعتراضات و نظریاتشان از صراحت بیشتری برخوردار بودند. به روشنی می‌شود فهمید که زنان "گرسنگی" و "فشارهای اقتصادی" را ملموس‌تر احساس می‌کنند.

۳- مرفه‌ترین خرده‌بورژواهای اراک و سرمایه‌داران:

مرفه‌ترین گروه‌ها نیز "گرانی" را به عنوان یک امر واقع پذیرفته‌اند. لیکن بطور مشخص برخوردشان در باره‌ی گرانی با سایر طبقات و اقشار خلق متضاد است. هیچ نقطه‌ی مشترکی بین گفته‌های اینان و توده‌های مردم وجود ندارد. خط و مرزشان را کاملا رسم کرده‌اند. به راحتی می‌شود فاصله‌ی عمیق بین منافع توده‌ها و منافع اینان را احساس کرد. اگر ناراضی نیز در گفته‌هایشان دیده می‌شود، به علت "کمبود کالا" و "عدم مرغوبیت اجناس" است. گرانی را معلول " حقوق زیاد کارگران"، " قطع رابطه با امریکا"، " تنوع در مراکز تصمیم‌گیری"، " هول زدن مردم" و اینکه " به حق خود راضی نیستند" می‌دانند. می‌گویند:

در همه دنیا تورم وجود دارد. اینها همه از عوارض انقلاب است. یعنی که بترسید و دیگر انقلاب نکنید! مردم را نیز حکیمانانه به " صبر" دعوت می‌کنند و از آنان می‌خواهند که " خدا را شکر" کنند. به حاکمیت نیز بنا به خواست‌های طبقاتی خود بدین‌اند. "آخوند بازی است"، "توی پاسداران و جهاد سازندگی، کمونیست‌ها نفوذ کرده‌اند. زمین‌های مردم را می‌گیرند، تقسیم می‌کنند"، "درون هیئت حاکمه عده‌ای طرفدار شوروی هستند"، و...

یادآوری می‌کنیم که این دسته از هر اقدامی که در جهت سرکوب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی صورت می‌گیرد پشتیبانی می‌کنند و بیشترین نفرت را از "فدائی‌ها" از خود نشان می‌دهند، این دسته در مقابل هرگونه حرکت انقلابی مقاومت و سمپاشی می‌کنند و آمادمانند که از هر گونه کمکی به "ضد انقلاب" کوتاهی نکنند. آنان بیشترین دشمنی‌ها را با مبارزات کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم از خود بروز می‌دهند.

آنجا که شوراهای واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری کار، مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند

باردیگر موجودیت شوراهای بطور جدی مورد سؤال قرار گرفته است و این مسئله تازه‌ای نیست. از همان آغاز روی کار آمدن دولت بازرگان مقابل و مبارزه جوشی کینه توزانه علیه شوراهای آغاز شد و تلاشهای فراوانی بعمل آمد تا اینگونه تشکلهای توده‌های را در نطفه خفه کنند. ولی شوراهای، علیرغم همه تلاشهای سرمایه‌داران و حتی در شرایطی که آزادی‌های سیاسی در مرداد ماه همانند امروز مورد تهاجم و تهدید قرار گرفت، مقاومت کردند. پس از تهاجم به شوراهای دهقانی ترکمن صحرا (که دستاورد مبارزاتی انقلاب دهقانان و زحمتکشان خلق ترکمن است) برنامه ریزان یورش به دانشگاهها و کشتار وحشیانه دانشجویان ضمن تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در توده‌های مردم، درست در لحظاتی که خطر تهاجم امریکا یک خطر واقعی است و خاطر مردم ما را به خود مشغول داشته است محیطی مناسب برای بهره‌برداری و تبلیغات علیه نیروهای انقلابی و تشکلهای توده‌های یافتند. بطوری که شوراهای این دستاورد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان باردیگر مورد تهاجم جدی قرار گرفته است. شوراهای کارخانه‌ها که در شرایط انقلابی قبل از قیام عمدتاً از دل کمیته‌های اعتصاب و پس از قیام به منظور کنترل و اداره کارخانجات متعلق به سرمایه‌داران وابسته و فراری شکل گرفتند، طی یک سال اخیر نقش قابل ملاحظه‌ای در جهت ارتقاء آگاهی طبقاتی کارگران و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک داشتند. شوراهای کارخانه‌ها در بسیاری موارد، حرکات و اقداماتی انقلابی و مترقی بر علیه سرمایه‌داری و قوانین و آئین‌نامه‌های آن انجام

داده‌اند. نقش موثر شوراهای در مصادره کارخانجات و اموال متعلق به سرمایه‌داران وابسته به دربار و امپریالیسم و مبارزه پیگیر برای دولتی کردن آنها، به راه انداختن واحدهای تولیدی‌ای که در جریان قیام و با فرار سرمایه‌داران از کار افتاده بود و سپس کنترل و اداره امور آن و افزایش بهره‌وری تولید در واحدها (میزان تولید کارخانه لیفتراک سازی تبریز پس از اداره آن توسط شورا از ۲ لیفتراک در

خود سعی کنند شوراهای بی‌محتوی سازند. حزب جمهوری اسلامی با اتکاء به انجمن‌ها و کانون‌های وابسته به خود در کارخانجات می‌کوشد از عواطف و اعتقادات مذهبی کارگران بهره‌برداری کند و رهبری مطلق همه فعالیت‌های درون کارخانجات را به خود اختصاص دهد. انحصار جوشی و تنگ‌نظری این حزب به آن اندازه است که تنها برای نیروهای وابسته به خودش حق حیات سیاسی - اجتماعی

مجدد در آنها (کارخانه کاشی پارس قزوین - نیمه دوم فروردین ماه) تحریک کارگران ناآگاه به ایجاد درگیری با کارگران مبارز و مترقی و همچنین دامن زدن به این درگیری و تشدید اغتشاش برای زمینه‌سازی و توجیه ورود پاسداران به کارخانه‌ها و بازداشت کارگران مبارز، اتهام و دروغ‌پردازی علیه نیروهای انقلابی و کارگران مترقی (در ۱۵ فروردین ماه جاری کارخانه ایرداک تبریز کارگر مبارزی

مورد تلاشهای حاکمیت برای مقابله و اوجگیری از اعمال اراده توده‌ها از طریق شوراهایشان بود. اما مسئله جانب دیگری هم دارد. یعنی وجود:

الف - بحران عمیقی که به صورت بیکاری، تورم، کمیابی و گرانی گریبانگیر جامعه است و چارچوب قوانین گذشته را در هم ریخته و بازسازی آن را با همان مضامین ناممکن ساخته و طالب وضعیت دیگری است.

ب - اراده و آگاهی توده‌های مردم که تجربه قیام را پشت سر دارند، و به حقوق خویش و تشکیلات حافظ منافع خویش کم و بیش آشنائی یافته‌اند.

پ - وجود سازمان‌های انقلابی و مترقی که می‌کوشند بر بستر این واقعیات برای گسترش مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها به سنگرهای واقعی این مبارزه یعنی تشکلهای توده‌های (به ویژه شوراهای کارگری و ...) اتکاء نموده و در جهت ارتقاء آگاهی و انسجام و تشکل رزمنده کارگران و زحمتکشان گام بردارند. گسترش و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک منوط به دفاع فعال از سنگرهای این مبارزه یعنی شوراهای کارگری است. یعنی دفاع فعال از دستاوردهای دمکراتیک توده‌ها در برابر سرکوب و هرج و مرج. در مقابل خطری که شوراهای تهدید میکند (از هم پاشیدن و از محتوی تهی شدن) باید قبل از هر چیز از شورا، به مثابه یکی از دستاوردهای درخشان مبارزاتی مردم ما بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم و همچون سنگری که تأمین منافع اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان، محتوی آن بوده دفاع کرد. شوراها نمونه‌ای از تشکل توده‌های در

کارگران پیشرو باید از برخوردهای ایدئولوژیک در درون شوراهای پرهیز کنند و با افشاگری‌های سیاسی و آراشه راه‌حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران، شورا را تقویت کنند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنجا که مبتنی بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تأکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهرآگین و نفاق‌افکنانه حاکمیت را که همواره از "اخلال در تولید" توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند.

هفته به ۲۱ واحد رسید و یا بازدهی راه‌آهن سراسری با نظارت و کنترل شورا طی یک سال گذشته ۲۰٪ افزایش یافت) اخراج عوامل و وابستگان به دربار و امپریالیسم، ساواکی‌ها و دیگر مزدوران رژیم گذشته، مقابله و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که ثمره‌اش بهبود شرایط کار و زندگی توده کارگران بود، از دستاوردهای شوراهاست. این تشکلهای سنگر واقعی مبارزه ضدامپریالیستی بوده است و هم از این روست که کارگران در روز اول ماه مه شعار (در سنگر شوراهای، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا) را سر می‌دهند.

مبارزه شوراهای که در گسترش خود، نظام سرمایه‌داری را به مخاطره می‌اندازد حزب جمهوری اسلامی و بنی‌صدر را وای دارد که هرکدام به شیوه

قائل است و زیر عنوان تشکلهای شوراهای صد در صد اسلامی می‌خواهد کنترل خود را در کارخانجات برقرار کند. غافل از آنکه شورا نه یک تشکیلات حزبی بلکه تشکیلاتی همگانی و توده‌ایست. انحلال شوراهای انقلابی و مترقی، تحریک توده‌های ناآگاه و به‌ویژه اعزام باندهای سیاه به کارخانجات (کارخانه ساندیس ارومیه در تاریخ ۳۰ فروردین مورد هجوم قرار گرفت و شورای آن منحل اعلام شد و ۱۵ تن از کارگران دستگیر شدند. کارخانجات ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز در هفته دوم اردیبهشت ماه جاری توسط عناصر مشکوک و باندهای سیاه اشغال شد و شورای انقلابی آن منحل گردید). برگزاری انتخابات مجدد (و کنترل شده) برای کنار زدن نمایندگان مترقی و مبارز در جوی تحریک شده و ضد کارگری، تلاش برای حفظ و تثبیت شوراهای فرمایشی و مخالفت جدی با انتخابات

را به اتهام واهی رشوه‌خواری دستگیر می‌کنند). اینها از جمله روش‌هایی است که حزب جمهوری اسلامی با توسل به آنها می‌کوشد شوراهای کارگری را از مضمون و محتوی توده‌ای و همگانی‌اش تهی کرده و آن را به صورت جریان فرمایشی در شکل توده‌های را به شکل دولتی بدل کند و اما بر در با روشی دیگر شعار "بی شورا" را مطرح می‌کند او می‌کوشد که جنبه انقلابی و توده‌ای شوراهای را تحت الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضد کارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و متلاشی سازد. رئیس جمهور می‌کوشد تا با تضعیف تدریجی شوراهای وزارت کار و مدیریت کارخانه‌ها را تقویت کند و شورا را به زائده ادارات دولتی و مدیران تبدیل نماید.

آنچه گفته شد، عمدتاً در

ب - وجود سازمان‌های انقلابی و مترقی که می‌کوشند بر بستر این واقعیات برای گسترش مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها به سنگرهای واقعی این مبارزه یعنی تشکلهای توده‌های (به ویژه شوراهای کارگری و ...) اتکاء نموده و در جهت ارتقاء آگاهی و انسجام و تشکل رزمنده کارگران و زحمتکشان گام بردارند. گسترش و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک منوط به دفاع فعال از سنگرهای این مبارزه یعنی شوراهای کارگری است. یعنی دفاع فعال از دستاوردهای دمکراتیک توده‌ها در برابر سرکوب و هرج و مرج. در مقابل خطری که شوراهای تهدید میکند (از هم پاشیدن و از محتوی تهی شدن) باید قبل از هر چیز از شورا، به مثابه یکی از دستاوردهای درخشان مبارزاتی مردم ما بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم و همچون سنگری که تأمین منافع اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان، محتوی آن بوده دفاع کرد. شوراها نمونه‌ای از تشکل توده‌های در

بقیه در صفحه ۷

استقلال - کار - مسکن - آزادی

آنجا که شوراهای واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری ...

بقیة از صفحه ۶

و کم و کیف این مبارزه باید در خدمت آن باشد. کارگران پیشرو باید از برخوردهای ایدئولوژیک در درون شوراهای پرهیز کنند و با افشاکریهای سیاسی و ارائه راه حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران شورا را تقویت کنند.

۶- دستاوردهای مثبت کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی‌ای را که توسط شوراهای کنترل و اداره می‌شوند تبلیغ نمایند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنجا که مبتنی بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تاکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهر آگین و نفاق افکنانه حاکمیت را که همواره از "اخلال در تولید" توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند. در این رابطه است که باید کارگران پیشرو مفهوم روشنی از نقش شوراهای پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک تصویر کنند. به این معنی که علاوه بر آنکه باید بر نقشی که شوراهای به عنوان نفی‌کننده ضوابط ورشکسته و ضد مردمی پیشین داشته و دارند تاکید شود، به اهمیت نقش سازنده شوراهای در مقابل نظم ورشکسته‌ای که نفی‌اش می‌کنند بیش از پیش تاکید کنند و مشخصاً نشان دهند که چه چیز نوینی را جایگزین کهنه می‌کنند و این امر با تاکید بر سهم این تشکلهای در سازندگی اقتصادی - سیاسی جامعه میسر می‌شود.

با تفهیم اصولی این دو جنبه مبارزه شورا (نفی ضوابط کهنه و بی‌ریزی ضوابط نوین) بر بستر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها، پیشروان طبقه کارگر قادر خواهند بود رهنمودهایی انقلابی، مشخص و موثر بدهند و تعهد ویژه شان را در این مبارزه به نحوی مسئولانه ادا نمایند.

تداوم آن حرکت و آن شعار را در جهت تحقق آن تضمین نماید. ایجاد کانون‌های هماهنگ کننده شوراهای گام مثبتی در این جهت است.

۵- با کار آگاهانه خود جناح‌بندی‌های ساختگی و تبعیض آمیز را که مانع اتحاد یکپارچه کارگران می‌شود خنثی نمایند. تبلیغات سوئی که بر مبنای تقسیم‌بندی کارگران به مذهبی و غیر مذهبی صورت می‌گیرد تنها به سود نیروهای ضد کارگر است. در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر صف بندی ایدئولوژیک در درون شوراهای و تشکلهای توده‌ای مشابه آن (قطبی شدن کارگران در تشکیلات علنی) تنها از هم پاشاندن آن را تسریع می‌کند شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی با دامن زدن به چنین جناح‌بندی‌هایی خصلت توده‌ای و همگانی شوراهای را زایل می‌کنند. وقتیکه حزب جمهوری اسلامی از شورای صد در صد اسلامی صحبت می‌کند، با مبنا قرار

جموعه امکانات عینا موجود خود در جهت به دست گرفتن کنترل کارخانه حرکت کرده‌اند که به علت عدم تطابق این حرکت با وضعیت عمومی جامعه ناموفق بوده‌اند. و همینطور دیده شده است که یک شورا به اتکای سنت مبارزاتی درخشانش دچار سرکینجه ناشی از موفقیت شده و حتی شعار اعمال حاکمیت

دادن ایدئولوژی و مذهب برای یک تشکل توده‌ای عملاً مانع وحدت تشکیلاتی کارگران می‌شود. هدف تشکلهای توده‌ای بسیج و سازماندهی توده کارگران (و یا دیگر اقشار) است برای حل مسائل خودشان و مسلم است که در چنین تشکلهایی موضوع مبارزه و جریان‌های مختلف سیاسی در چارچوب مسائل و مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران و طرح‌ها و شیوه‌های عملی حل آن بروز می‌کند نه در قالب مجرد و ایدئولوژیک آن. آنچه که در این تشکل محور کار است منافع اقتصادی - سیاسی کارگران است و تمامی شیوه‌ها

فادرنند در حرکت شرکت نمایند نیز باید در اتخاذ تاکتیک در نظر گرفته شود. و نه تنها سطح مبارزات کارگر بلکه وضعیت عمومی جامعه فضای سیاسی حاکم بر آن نیز مورد محاسبه قرار گیرد. نمونه‌هایی دیده شده است که شوراهای بدون توجه به

مقابل و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که ثمره‌اش بهبود شرایط کار و زندگی دستاوردهای شوراهاست.

بنی‌صدر با شعار "شورا بی‌شورا" می‌گوشد که جنبه انقلابی و توده‌ای شوراهای را تحت الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضدکارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و متلاشی سازد.

کارگری را هم به آسانی طرح کرده است و در نتیجه بجای آنکه به الگوی تعمیم پذیری تبدیل شود، موجبات انفراد و انزوای بیشتر خود را فراهم کرده است. کارگران پیشرو نباید نمونه‌سازی از این یا آن شورا را دامن بزنند بلکه باید سعی کنند شوراهای را با شعارهای هماهنگ به پیش برند. گسترش متوازن و هماهنگ شعارهای انقلابی می‌تواند گرایش به الگوسازی صرف را تحت الشعاع قرار دهد و شعارهای انقلابی منفرد و پیشرو را مهار کند. طرح یک شعار انقلابی تنها آغاز یک حرکت نیست بلکه مهمتر از آن به معنای قبول مسئولیتی است که گسترش و

عقب‌نشینی‌های موقتی و رفع موج تهاجم و سرکوب از خود نشان دهند و شورا را (مضمون آن را) از خطر ازهم‌پاشیدگی حفظ کنند تا مجال گسترش مجدد شوراهای را پیدا کنند و در این رابطه باید علاوه بر مقابله با توطئه‌گران ضدکارگر با جریان‌های انحرافی، چه

آنارشیستی و چه تسلیم‌طلبانه درون کارخانه نیز خط فاصل روشن و متمایز ترسیم نمایند. ۴- در برخی موارد مبارزات یک شورا ابعادی فراتر از چارچوب کارخانه می‌یابد و یا یک حرکت مشخص چشم‌انداز شرکت نیروهای وسیع‌تری را نشان می‌دهد و یا محتوی و شیوه مبارزه حساسیت نیروهای غیرکارگر و ضد کارگر را در دفاع از منافع طبقاتی‌شان برمی‌انگیزد (مثل حرکاتی که مضمونش تعرض شورا به "حریم" مالکیت خصوصی باشد) و همچنین مواردی که خواست‌های سیاسی بالنسبه مهم و یا خواست‌های اقتصادی (به صورتی گسترده و هماهنگ) مطرح می‌شود و امکان سرایت آن به نیروها و واحدهای دیگر کارگری می‌رود و یا حتی در یک شورا و یا چند شورای معدود سنت مبارزات انقلابی پایه می‌گیرد. و کانونی برای گسترش شعارها و خواست‌های انقلابی کارگران به واحدهای دیگر می‌شود. در همه این موارد سنگینی بار وظیفه‌ای که نیروهای پیشرو و آگاه بردوش دارند آنچنان زیاد است که اتخاذ تاکتیک مناسب آسانی میسر نیست. در اینجا نه تنها باید توان و ظرفیت عینا موجود کارگران و شورائی که حرکت را آغاز می‌کند، بلکه ظرفیت و توان همه عناصر بالقوه‌ای که

میهن ماست که در برابر تهاجم به حقوق دمکراتیک باید از آن قاطعانه پاسداری کرد. به این ترتیب نیروهای آگاه و ترقیخواه باید: ۱- مفهوم مترقی و انقلابی شورا و راز قدرت و استقامت آن را بیش از پیش به توده‌های کارگر توضیح دهند. اینکه نمایندگان شورا با رای مستقیم و مخفی همه کسانی که در کارخانه کار می‌کنند تعیین شده و بوسیله همانها نیز مستقیماً عزل خواهند شد و هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد برای کارگران نماینده‌ای منصوب نماید و یا نمایندگان آنها را خودسرانه عزل کند. (بطور مثال دخالت بی‌جای ایستادار و مقامات "مسئول" دیگر در کار شوراهای تیریز و مداخله وقیحانه اوباش در کارخانه پاکدیس ارومیه و بازداشت و عزل خودسرانه نمایندگان شورا توسط پاسداران و ...) شورا متعلق به کارگران است و تعیین خوب و بد آن نیز با آنهاست و کارخانه محل کار و زندگی و مبارزه کارگران است و از این رو هیچ کس حق تجاوز به حریم آن را ندارد. کارگران از شوراهای و کارخانه‌ها در برابر تجاوز و تعدی سرمایه‌داران و باندهای آنان باید پاسداری کنند.

۲- با افشاکری هرچه وسیع‌تر توطئه‌های ضد کارگری سرمایه‌داران و عواملشان و همچنین افشای توطئه‌ها و حرکات مداخله‌جویانه عناصر غیر مسئول و شناسایی باندهای سیاه و رهبران و سازماندهندگانشان و نحوه کار آنها توده‌های کارگر را یاری دهند تا با اتحاد آگاهانه‌شان حول شورا از حقوق واقعی خویش دفاع کنند.

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عینا موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، اعطاف لازم را برای

۲- با افشاکری هرچه وسیع‌تر توطئه‌های ضد کارگری سرمایه‌داران و عواملشان و همچنین افشای توطئه‌ها و حرکات مداخله‌جویانه عناصر غیر مسئول و شناسایی باندهای سیاه و رهبران و سازماندهندگانشان و نحوه کار آنها توده‌های کارگر را یاری دهند تا با اتحاد آگاهانه‌شان حول شورا از حقوق واقعی خویش دفاع کنند.

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عینا موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، اعطاف لازم را برای

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عینا موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، اعطاف لازم را برای

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عینا موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، اعطاف لازم را برای

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عینا موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، اعطاف لازم را برای

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عینا موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، اعطاف لازم را برای

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عینا موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، اعطاف لازم را برای

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عینا موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، اعطاف لازم را برای

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

یادداشتی از سفر نوروز به کردستان

● مردم نگران مرکز بودند، خبر تأثیر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بر نخواهند داشت.

فرصت خوبی بود در ایام عید که به کردستان سفری کنیم. کردستان وقایع خونینی را پشت سر گذاشته بود. خبرها از دور می آمد. از خواست مردم کردستان برای داشتن شوراها، برای نابود کردن تحقیر و ستم ملی که طی سالها بر آنان روا شده بود. برای آنکه خرابی و بیدادی را که سالهای متمادی بر آنها رفته است نابود کنند به محض ورود، احساس تازه‌ای که به آدم دست می داد، احساس نگرانی از مرکز بود. آیا جنگ افروزان دوباره دست به تدارک حمله‌ای خواهند زد؟ آیا آنها نمی‌خواهند ایرانی آزاد و فارغ از ستم وجود داشته باشد؟ آیا آنها دوباره خانه‌ها و بیمارستان‌ها و مردم و کوچه و بازار را به گلوله خواهند بست؟ این نگرانی در چشم همه بود. کودگانی که روی تپه آواز می‌خواندند با شک و تردید غریبه‌ها را نگاه می‌کردند! آوازشان را قطع می‌کردند و می‌خواستند بدانند ما حامل خبرهای شومی برای آنها هستیم یا پیام آوران شادی در گوشه‌ای مردم جمع شده بودند و کسانی را که جوانان را معتاد کرده بودند، محاکمه می‌کردند. اکثر این قاچاقچیان و لمپن‌ها از عناصر وابسته به "مفتی زاده" بودند. مردم به مسافرین می‌گفتند: خودتان قضاوت کنید ببینید در اینجا چه کسانی هوادار اسلام مفتی زاده‌ها شده‌اند و گرداننده بساط او هستند. متهم در جریان وقایع خونین کردستان، تفنگ از مفتی زاده گرفته بود و مردم کرد را می‌کشت. دیز جاهای دیگر نمایشگاه‌هایی برپا کرده بودند که به مردم فجایع امپریالیسم را نشان می‌داد. در جای دیگر به مردم سواد یاد می‌دادند. و راه کشت و آبیاری بومی. در همه جا زندگی تبلور داشت. اما آهسته آهسته خبر کشتار "قلاتان" در همه جا پخش شد. دوباره مردم رو به

سنگرها آوردند. خبر تأثیر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بر نخواهند داشت و به عناوین مختلف سعی دارند منطقه را به آتش بکشند. در قهوه‌خانه‌ها در معابر عمومی صحبت از این قتل عام بود آنچه برای هر مسافر آزار دهنده بود. این بود که به راستی این چه دست‌هایی است که در زیر پوشش اسلام قاچاقچیان و اوباش را اجیر می‌کند تا فرزندان راستین کرد را به گلوله بسپارد.

در سیمای مردمی که به پا خاسته بودند تا زندگی را بسازند و برقرار کنند، تصمیم و مقاومت موج می‌زد. دست‌های آنان، آماده ساختن قلب آنها، از صلح ملامال بود. حدود ۱۱ شب به ما خبر دادند زخمی‌های دهکده "قلاتان" به شیر و خورشید مهاباد منتقل شده‌اند. به بهانه دیدن برادر یکی از پیشمرگه‌ها توانستیم در آن وقت شب به بیمارستان برویم. بعد از دیدن چند زخمی که ماهها در بیمارستان بستری بودند

یکی از مجروحان قلالتان را دیدیم. پیرمردی بود هفتاد یا هشتاد ساله. دردی عمیق تمامی چشمانش را پر کرده بود. دردی که در چشم تمامی زحمتکشان آن را می‌توان دید. جنایتکاران با تبر پایش را از زیر زانو قطع کرده بودند. دهقان زجر کشیده و نگاهش امیدوار بود احساس کردیم که باید تا توان داریم این صدای حق طلبانه و این جنایت بی‌شرمانه را به همه بشناسانیم. باید زحمتکشان یزد، قم، تهران، خوزستان

گیلان و تمامی زحمتکشان ایران بدانند که این جنگ، جنگ شیعه و سنی نیست. جنگ کرد و فارس نیست. بلکه گوشه‌ای چشمگیر از مبارزات خلق بر علیه امپریالیسم است. باید همه زحمتکشان بدانند که کشتار در کردستان برای آن است که نگذارند زحمتکشان قدرت و اراده خود را برای ساختن یک ایران مستقل که کردستان جزئی از آن است به کار گیرند و به شمر رسانند.

قسمت‌هایی از اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان

ترور رفیق کمال کیانفر (دانشجوی پیشگام تبریز)

بیانگر درماندگی و ضعف سرکوبگران در مقابل جنبش رو به رشد زحمتکشان است

خلق قهرمان ایران! مردم مبارز تبریز!

خلق قهرمان ایران! مردم مبارز تبریز!

عصر روز سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۵۹ هنگامی که رفیق کمال کیانفر دانشجوی پیشگام (سال اول فنی رشته مکانیک تبریز) به همراه چند تن از هم‌زمانش مشغول پخش "خبرنامه کردستان" در مسیر چهار راه متحدین - میدان شهرداری بودند، توسط ماشین سپاه پاسداران تعقیب می‌شوند.

پاسداران مسلح برای دستگیری رفقا از ماشین پیاده می‌شوند، عابرین به محض مشاهده این عمل پاسداران به حمایت از رفیق کمال و هم‌زمانش می‌آیند. مردم رفیق را از جنگ پاسداران مهاجم رها می‌کنند. رفیق تلاش می‌کند که خود را از صحنه دور کند ولی پاسداران در حضور عده‌ای از مردم زحمتکش تبریز به طرف رفیق کمال نشانه‌روی کرده و او را هدف گلوله قرار می‌دهند. گلوله به مغز رفیق اصابت می‌کند. او در واپسین لحظه زندگی‌اش آخرین نیروی حیاتش را جمع می‌کند و برای آخرین بار می‌گوید: "درود بر کارگران رفیق کف خیابان می‌افتد و خون سرخس خیابان را گلگون می‌کند مردم به شدت به پاسداران اعتراض می‌کنند. مردم تلاش می‌کنند تا او را به بیمارستان برسانند ولی پاسداران با بیرحمی مانع رساندن رفیق به بیمارستان شده و نتیجتاً شهیدی دیگر به شهدای انقلاب ایران افزوده می‌گردد.

مردم با به شهادت رسیدن رفیق خشمگینانه دست به اعتراض زده و با دادن شعار: "این سند جنایت است امریکاست"، "ای جلاد ننگت باد، امریکا مرگت باد"، "ملت قضاوت ایله، آیا بودور آزادلیق؟" (مردم قضاوت کنید - آیا این است آزادی؟) نفرت خود را از این عمل جنایتکارانه بیان می‌دارند.

این جنایت آشکار تنها نمونه کوچکی از اعمال ضدانقلابی است که اینک در سراسر میهن ما بر علیه جنبش انقلابی توده‌ها جریان دارد.

سرکوب جنبش انقلابی توده‌ها در شرایطی گسترش می‌یابد که امپریالیسم امریکا با همدستی مزدورانش در ارتش دست به تجاوز آشکار بر علیه جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک مردم مبارز میهن زده است.

این اعمال بیانگر تلاش مذبحخانه کسانی است که از جنبش رو به رشد توده‌ها به وحشت افتاده‌اند.

ما ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه خواهان محاکمه علنی پاسدار قاتل بوده و سپاه پاسداران، شورای انقلاب و شخص ریاست جمهوری را مسئول مستقیم این ترور جنایتکارانه می‌شناسیم.

ما از تمام نیروهای انقلابی، از جمله هواداران سازمان می‌خواهیم که با تمام توان خویش و با هر امکانی که در دسترس دارند ماهیت این عمل جنایتکارانه را برای توده‌ها توضیح دهند.

هواداران سازمان و دیگر انقلابیون صادق در چنین شرایطی که جنبش انقلابی توده‌ها مورد تهاجم امپریالیسم و عوامل مزدور سرمایه‌داری قرار گرفته، وظیفه دارند که با تمام توان خویش در جهت سازماندهی مبارزه زحمتکشان فعالیت انقلابی‌شان را شدت دهند.

ما ایمان داریم که هیچ نیروئی قادر نخواهد بود مانع رشد روزافزون جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان میهن ما گردد.

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

پنجم مبارز شهر امروز یکی از شهروان خود را که در جریان درگیری گروه رش به شهادت رسیده بود، به خاک سپردند. باز هم شهیدی به انبوه شهدای خلق اضافه شد.

بیجار

امروز بر اثر انفجار یک مین در اطراف مقر ارتش یک نظامی کشته و دو نفر زخمی شدند.

پاوه

انفجار مین در اطراف پاوه باعث کشته شدن دو پاسدار شد. در این جریان دو پاسدار دیگر نیز مجروح شدند. این نتیجه اجتناب ناپذیر جنگی است که سرکوبگران مردم به راه انداخته و در آن رزمندگان بیست از همه رنج می بینند. این پاسداران نیز اکثرا از اقشار رزمکنش جامعه برخاسته اند. بسیاری از جوانانی هستند که جز خدمت به میهنشان هدفی ندارند. آنها نیز قربانی مطامع فدرتندان و مسئولان جنگ افروز مملکتی می شوند. فرماندهان آنها را می فرساید، به سبانه خدمت به خلق، به کشتار خلق روانه شان می کنند. از احساسات پاک مذهبی شان سوء استفاده می کنند و آنها را به جبهه های گسیل می دارند که جز مردم رزمکنش، کسی در مقابلشان نیست. دست جنگ افروزان از آستین آسمان بیرون می آید و سلاحتان که باید سینه دشمنان مردم را آماج خود بگیرد، قلب توده ها را نشانه می رود. آنها بسیاری شان فریب خورده اند.

ارومیه

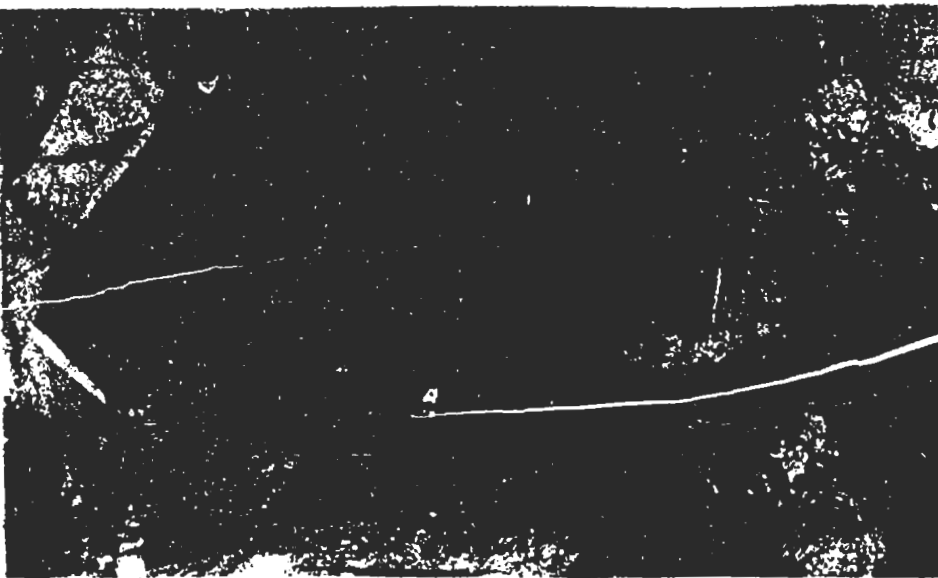
درگیری بین نیروهای نظامی و پیشمرگان ساعتها است که ادامه دارد. در جریان این درگیری ۲ پاسدار و ۸ سرباز کشته و مجروح شده اند. صبح روز بعد همچنان صدای شلیک های پراکنده به گوش می رسد.

بانه

به دستور فرماندهان ارتش هلی کوپترها و فانتموها به دستور فرماندهان ارتش مرتب شهر را بمباران می بندند. صبح امروز دو فروند هواپیما بر فراز شهر به مانور پرداختند. حوالی ظهر هلی کوپترها در آسمان شهر ظاهر شدند و شهر را به گلوله بستند. لیکن آتش سلاح های پیشمرگان به آنها امکان فرود نداد و مجبور به عقب نشینی

چه کسانی

به جای صلح، جنگ را دامن می زنند؟



جنگ تحمیلی احیر بر خلق دلاور کرد، برای مردم رزمنده آن ویرانگری های بی شماری را به دنبال داشته است. در معصومیت نگاه کودکان گزیده درخشانی موج می زند. در زیر این خانه های چادری کودکانی بزرگ می شوند که درس مبارزه را می آموزند.

حلق ترک و کرد بود. مردم ماندو آب به خاطر اعتراض به محاصره اقتصادی شهرهای کردستان در فرمانداری محصص شده اند و نهدید کرده اند که اگر محاصره ادامه یابد تمام معاره های خود را تعطیل خواهند نمود. مردم مارر شهر قلا نیز با اقدامات انفجاری خود از جواس های به حی و عادلانه خلق کرد حمایت کرده بودند و این خود مشت محکمی است بر دهان کسانی که می گویند با نقای امکنی اتحاد انقلابی خلقها را تضعیف کنند و آنها را در برابر دشمنان مشترکشان دچار نقره سازند.

سنندج

تهاجم سپاه پاسداران و ارتش همچنان ادامه دارد. امروز در درگیری های جسامه "حسن آباد" و استانداری بیش از ۵ تن از پاسداران کشته و تعدادی مجروح شدند. امروز همچنین در "کردی کرول" بین نیروهای جنبش مقاومت و سپاه پاسداران درگیری پیش آمد که طی آن تعدادی از پاسداران کشته و زخمی شدند. در این جریان دو پیشمرکه نیز به شهادت رسیدند.

میاندواب

امروز در شهر میاندواب حدود ۸۰۰۰ نفر از اهالی شهرها و روستاهای مختلف گرد آمدند تا شاهد محاکمه دو تن از پیشمرگان باشند. افراد فوق به جرم قتل یک هم وطن ترک میاندوابی محاکمه و به اعدام محکوم شدند. حکم اعدام در ساعت ۳ بعد از ظهر در باغ "خانه پیشاهنگی" به اجرا در آمد. محاکمه توسط نیروهای سیاسی کردستان

اسلامی مخاره نده سرکواه دیگری است که وضع ارتش را نمایان می سازد. این پیام وضعیت پادگان را به شدت خطرناک توصیف کرده و صریحا اعلام نموده است که اگر تا دو روز دیگر کمک ارسال نشود پادگان به دست پیشمرگان سقوط خواهد کرد. همچنین سربازان پادگان شهر تهدید کرده اند که در صورتی که ترتیبی برای جمع آوری اجساد سربازان، از میدان جنگ داده نشود، آنها به کردها ملحق خواهند شد.

سقز

در جریان درگیری های امروز شهر، ۳ ارتشی کشته و عده ای زخمی شدند. ارتش مردم عادی نیز عده ای مجروح شده اند.

۲۲ اردیبهشت

خوی دوشنبه

امروز عده ای از پرسنل انقلابی، به منظور اعتراض به وقایع اخیر کردستان در پادگان شهر متحصن شده اند. ظهیر نژاد، فرمانده زاندارمری به دنبال این اقدام انقلابی پرسنل مبارز به خوی آمده است. متحصنین که دیده اند چگونه مسئولین جنگ افروز مملکتی و فرماندهان مزدور آنها را به کشتار زنان و مردان رزمکنش کردوامی دارند، با این عمل انقلابی خود یک بار دیگر نشان می دهند که در میان سربازان، درجه داران و افسران جز کم نیستند کسانی که به هیچ قیمتی حاضر نمی شوند گلوله هایشان را در سینه های خلق خویش بنشانند.

میاندواب

شهر امروز شاهد همبستگی

شدند. به دنبال آن سهر توسط پادگان به توپ و خمپاره بسته شد. روحیه سربوهای ارتش بسیار متزلزل است. بسیاری از سربازان که در جریان جنگ درک می کنند که مسئولان مملکتی و فرماندهان دست پرورده امریکا، آنها را فریب داده و به سبانه جنگ با ضدانقلاب به کشتار مردم واداشته اند، از اجرای فرمان آدمکنی سرباز می زنند. خلق کرد تاکنون بارها اعلام کرده است که صلح می خواهد نه جنگ. خلق کرد در برابر سرکوبگران و بخاطر صلح عادلانه دلاورانه مقاومت می کند و روحیه نیروهای سرکوبگر را در هم می شکند. به متن زبر دقت کنید. بیامی است که از طریق بی سیم بین ارتش و پاسداران مبادله شده است این پیام خود تصویرزنده ای از تزلزل در ارتش ارائه می دهد:

۳: سربازها بر زمین خشک شده اند هیچ کس اجرای دستور نمی کند. چهار زخمی از ما به طرز فجیعی افتاده اند تکلیف چیست؟
جواب: مسئول امداد را براهشان بفرست.
۴: مسئول امداد هم دستش تیر خورده، کمک بفرستید. از چهار طرف در محاصره هستیم. از دهات اطراف براهشان کمک می فرستند. ما زیر آتش شدید هستیم. هیچ کس تکان نمی خورد، تقاضای کمک هوایی نکنید. اگر تا یک ربع دیگر کمک هوایی نرسانند ما محل خود را ترک می کنیم. روحیه سربازان خیلی بد است. می گویند نیروی هوایی اعتصاب کرده، شما کمک بخواهید.
و تلفنگرایی که از بانه به ستاد مشترک ارتش جمهوری

کارد

جنگ افروزان از سرزمین کردستان می سازد. سرزمین صلح و کار. سرزمین دلاوران جان بر کف. سرزمین مقاومت.

بانه

نیروهای پیشمرکه به درون پادگان راه یافته اند. امروز نیروهای جنبش مقاومت موفق شدند تعدادی از سنگرهای داخل پادگان را به تصرف در آورند. هم اکنون بخش وسیعی از پادگان در تصرف مردم و پیشمرگان است.

ماکو

از چندی قبل قرار بوده است که عده ای پاسدار را از این شهر به سنندج اعزام کنند. لیکن به هنگام حرکت ۲۰ نفر از آنها از رفتن خودداری می کنند. خانواده های این افراد که همه از زحمتکشان روستاهای ماکو هستند در شهر جمع شده و از مقامات خواسته اند که فرزندان شان را به کردستان نفرستند. جنگ افروزان و سرکوبگران خلق کرد باید بدانند که این تازه آغاز کار است. آنها برای همیشه نخواهند توانست با تبلیغات عوام فریبانه شان پاسداران را که بسیاری شان از طبقات محروم جامعه برخاسته اند فریبند و به کشتن سار هم میهنان خود اودار سازند.

تقدیه

دیشب نیروهای صلح خلق کرد با جاش های مزدور درگیر شدند و ۲ تن از آنها را به هلاکت رساندند.

کرمانشاه

امروز یک هلی کوپتر ارتش سقوط کرد و ۲ خلبان آن کشته شدند. روز گذشته ۳ هلی کوپتر شنوک پاسداران و نظامیان مجروح را به این شهر منتقل کردند.

اشنویه

اینجا نیز گرسنگی ناشی از کمبود آذوقه، بیداد می کند. مقامات دولتی زحمتکشان را تا سرحد مرگ، گرسنگی می دهند. برآستی باید از آنان پرسید اگر بنا به گفته خودتان در کردستان تنها عده معدودی از سازمانها و

(حزب دمکرات) صورت گرفت. طبق اطلاع رسیده افراد مزبور از پیشمرگه های حزب دمکرات بوده اند. اقدام انقلابی نیروهای جنبش مقاومت در زمینه مجازات افراد فوق، باعث تحکیم هر چه بیشتر وحدت مبارزاتی خلق ترک، و کرد شد و در عین حال نثار داد که جنبش مقاومت کردستان هرگونه نجاوز به جان و مال زحمتکشان را به ویژه از سوی افراد پیشمرکه، به شدیدترین وجه مجازات می کند.

۲۳ اردیبهشت

سردشت به شنبه

در اینجا نیز جنگی خاموش بر خلق کرد تحمیل شده است. اکنون مدتها است که از آغاز جنگ می گذرد و در این مدت چه خونها که بر زمین نریخت و چه خانه ها که بر سر ساکنانش ویران نشد. پایگاه "کولته" همچنان در محاصره نیروهای پیشمرکه حلقی است. روحیه سربازان بسیار متزلزل است. مردوران جاش در پادگان حضور دارند. این عناصر خود فروخته که تعدادشان به ۳۰ نفر می رسد سربازان را دلداری می دهند و آنها را به جنگ و آدمکنی تشویق می کنند. این هم از شاهکارهای مقامات دولتی است که از یک طرف به سبانه صلح گروه های مسلح خلقها را به خاک و خون می کشند و از سوی دیگر بیست تریه افراد - جاشها - را صلح کرده به اسم "پیشمرگان مسلمان کسرد" به جان مردم می اندازند. در جریان زرد و خوردی که امروز در پادگان و پیشمرگان صلح خلق روی داد یک پیشمرکه شهید و ۳ پیشمرکه زخمی شدند. در این میان یکی از جاش های معروف به اسم "ملاحس" شیوه سلی "نیر زخمی شده است. امروز همچنین در درگیری های پایگاه "کولته" ۱۰ نفر (۸ زاندارم و ۲ جاش) کشته شدند.

۲۴ اردیبهشت

سردشت چهارشنبه

حالات هلی کوپترها ادامه دارد. ارتش و سپاه پاسداران همچنان به تهاجم ادامه می دهند. امروز در "رست" هلی کوپترهای ارتش به جای حمله به سنگر نیروهای جنبش مقاومت مواضع نیروهای ارتش و سپاه پاسداران را به گلوله بستند. در این حادثه بیش از ۳۵ پاسدار و ارتشی کشته شدند. هم اکنون آب و برق شهر قطع است. سردشت یک شهر جنگ زده است. خانه های ویران، آثار گلوله و خیماره، گرسنگی، بیماری، فقدان امکانات اولیه و ... این است چهره ای که سیاست

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

گرایشات آنارشیستی و سندیکالیستی "پیکار"

سازمان پیکار عمدتاً در محدوده روشنفکران فعالیت می‌کند و سیاست‌هایش نیز عمدتاً از روشنفکران آماطور تغذیه می‌شود این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می‌پروراند و افراط‌هایی را به دنبال دارد که دائماً و به سادگی به یکدیگر بدل می‌شوند، به نحوی که اگر در این حد افراط، روشنفکران به دنبال توده‌ها می‌افتند و در مقابل آنها سر فرود می‌آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می‌دانند در حد دیگر فرسنگ‌ها جلوتر از توده‌ها قرار می‌گیرند و به‌جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می‌زنند و این یعنی آنارشیسم.

می‌نویسد: "عین همین وظیفه را هسته در قبال سندیکا هم دارد منتهی با این تفاوت که هسته باتوجه به این که یک جمع سیاسی است (!) فقط در رابطه با شورا می‌تواند حتی در فعالیت‌های آن شرکت هم داشته باشد. در حالی که باتوجه به این که سندیکا یک تشکیلات صنفی است، هسته فقط بر کار آن می‌تواند نظارت و کنترل داشته باشد و دیگر لزومی به شرکت آن در فعالیت‌ها و امور سندیکا نیست." با چنین بینشی است که "پیکار"، "ارگان سیاسی - تبلیغی سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" به دوست‌داران آزادی طبقه کارگر و روشنفکران عرضه می‌شود. با این توضیح که: "ما بعد از این گوشش می‌کنیم که از طریق این نشریه، دیدگاه‌های خود را نسبت به مسائلی که با زندگی و حیات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی خلق‌های ما و نیروهای وابسته به آنها در رابطه قرار دارد، توضیح دهیم و موضع خود را نسبت به این مسائل در حد توان خود روشن کنیم."

و بدین ترتیب جنبه دیگری از اکتونومیسیم حاکم بر خود را به نمایش می‌گذارد: دید گروهی و مافع محفلی سازمان پیکار با انتشار روزنامه "پیکار" قصد آن را ندارد که وظایف و تعهدات خود را حداقل به عنوان روشنفکر انقلابی ناقل آگاهی پرولتاریائی به انجام رساند. قصد آن را ندارد که تبلیغ و ترویج ایده‌های پرولتاریائی را در دستور کار خود قرار دهد، قصد آن را ندارد که افشای سیاسی کند. او قصد آن دارد که "دیدگاه‌های خود را نسبت به مسائل توضیح دهد و موضع خود را نسبت به آنها روشن کند. و این کمال تنگ‌نظری و دید محدود و گروهی حاکم بر این سازمان است. برای پیکار در این مقطع "توده‌ها" مطرح نیستند. خود او، موضع خودش و دیدگاه‌های خودش مطرح است.

باید اذعان نمود که اکتونومیسیم حاکم بر پیکار اگرچه همواره همراه او و راهنمای عمل او بوده است (۱) اما در مقاطعی گسستگی‌هایی دارد و گاهگاهی اصلاحاتی در مسیر انحرافی‌اش رخ می‌دهد. به عنوان مثال در پیکار شماره ۱۳ آنجا که بحث از "قدرت دوگانه و ارگان‌های قدرت توده‌ای" می‌شود نشانه‌هایی از تصحیح درک خود را نسبت به شوراها بروز می‌دهد. ولی انحرافات ریشه‌دارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصحیح شود. لنین علت "گرایش قهرایی در

اکتونومیسیم ناب است. همان کارگرزدگی شایع و مسلط بر سازمان پیکار است. این دید سندیکالیستی است و از مفهوم مبارزه سیاسی فرسنگ‌ها فاصله دارد. این دید تفاوت بین شورا و سندیکا را نمی‌تواند درک کند. ممکن است فریاد اعتراض‌رفقای پیکاری بلند شود که این مواضع مورد استناد مواضع آن سازمان نبوده است بلکه نظریات یکی از "حوزه‌های" آن سازمان بوده است (داستان "کارگر به پیش" هم از آن جمله داستان‌هایی است که فقط برای فرار از انتقاد اختراع شده است برای ما با توجه به مهارت "پیکار" در معلق زدن و رد مکانیکی نقطه‌نظرات قبلی خود با انتقاد از خود سطحی داستان "کارگر به پیش" همچنان در ابهام باقی مانده است). ما اعتراض‌رفقای پیکاری را درست نمی‌دانیم و نظر خوانندگان را به مقاله "وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟" که در پیکار شماره ۳۳ به چاپ رسیده است جلب می‌کنیم.

"در چنین شرایطی وظیفه شورا (مراد ما از شورای واقعی (!؟) نه شورای انقلابی لنینیستی، بلکه از نظر وظایف و مضمون همان سندیکای واقعی - سرخ - می‌باشد) یا سندیکای واقعی کارگران چیست؟ وظیفه شورا یا سندیکای واقعی کارگران عبارت است از تشدید نظارت و کنترل خود بر مدیریت کارخانه... از آنجا که شورا یا سندیکای واقعی کارگران، نماینده کارگران می‌باشد... آیا باز هم جای بحثی هست؟ شورا یا سندیکای واقعی، به عبارت صریح‌تر شورای سازمان پیکار همان سندیکای واقعی است، همان شکل صرفاً کارگری، همان سازمان مبارزه اقتصادی فقط کارگران است و این محصول عدم درک مضمون شورای کارخانه که همانا اعمال قدرت توسط همه کسانی که در کارخانه شاق‌قل هستند و به عبارت دیگر کنترل کارخانه است.

به علاوه اکتونومیسیم حاکم بر سازمان پیکار همراه با سطح یائین‌تئوریک جنبش بطور کلی و سازمان پیکار بطور اخص در مورد تشکیلاتی توده‌ای و هسته‌های سیاسی یا به عبارت دیگر هسته‌های کمونیستی کارخانه تا بدان حد است که "کارگر به پیش" در شماره ۳ خود (۱۰ فروردین ماه ۵۸) تحت همان عنوان "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" و هنگام صحبت از "هسته‌های سیاسی کارگران و وظایف آن" مهمترین وظیفه تشکیلاتی هسته را "فعالیت در جهت تشکیل شوراها یا کارگری" می‌داند و

دیگر این ایده در سطح جنبش کمونیستی ایران جا افتاده است که "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" در جریان قیام اکتونومیسیم تمام عیاری را به نمایش گذاشت و در حالی که توده مردم به خیابان‌ها ریخته و به عالی‌ترین شکل مبارزه یعنی مبارزه قهر آمیز و مسلحانه پرداخته بودند، پیکاری‌ها آن چنان شیفته مبارزه اقتصادی توده کارگران شده بودند که حتی فرصت نگرستن به صحنه اصلی مبارزه را از دست داده بودند.

آنها قاصراز درک درست سطح و شکل مبارزاتی خلق و نیز از وظایف محوله بر دوش پیشاهنگان طبقه و مفتون اشکال نازل مبارزاتی کارگران (خواست‌های صنفی) شدند.

در چنین اوضاع و احوالی بود که سازمان پیکار یکبار خود را با قیامی شکوهمند روبرو دید. قیامی که علیرغم آنهمه شور و هیجان و اشتیاق مبارزاتی پرولتاریا که پیکاری‌ها را سخت‌شگفت‌زده کرده بود، با دستاوردی در خور پرولتاریا به سرانجام نرسید.

سازمان پیکار که یکباره از خواب غفلت و خوش مبارزه اقتصادی بزرگ بود، خود و پرولتاریا را عقب مانده می‌یابد و می‌بیند که فرصت "افزایش حصلت انقلابی دولت از بالا" را از دست داده است و به دنبال طرح شعار شورا از جانب ما و سایرین راه چاره را در "فشار از پائین" و عمدتاً از طریق شوراها می‌بیند و با طرح شعار "پیش به سوی سهیم شدن طبقه کارگر در قدرت سیاسی!" به کارگران توصیه می‌کند که "اصلی‌ترین وظیفه کارگران با تمام ضرورت و اهمیت خود" "ایجاد شوراها یا کارگری" است علاوه "ایجاد شوراها یا کارگری... اهمیت اساسی و تعیین کننده‌ی در سرنوشت طبقه کارگر و هم در سرنوشت توده‌های خلق ما دارد."

سازمان پیکار در ارائه این رهنمود توجه قابل ستایشی هم بر دو شکل مبارزه اقتصادی و سیاسی در شورا دارد و از بیان این نکته نیز فروگذار نمی‌کند. اما انحرافی که تمام تار و پود سازمان پیکار را فراگرفته است ریشه‌دارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصحیح شود و جای دیگر خود را نشان می‌دهد. در متن همین مقاله که تحت عنوان اصلی "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" با نام "پیش به سوی تشکیل شوراها یا کارگری" در شماره دوم "کارگر به پیش" چاپ شده است آنجا که از "نکاتی که باید در انتخاب نمایندگان شورا توجه کرد" صحبت می‌کند کارگر زدگی خود را باز دیگر به عیان بروز می‌دهد و می‌نویسد: "شوراها فقط کارگری است و به هیچ وجه کارکنان دیگر نباید در آن شرکت کنند. یعنی حتی حق رای هم ندارند چه رسد به اینکه برای شورا انتخاب شوند. با این تعریف شوراها دارای دو خصوصیت هستند یکی کارگری و دیگری واقعی بودن آن. که وظیفه‌شان دفاع از منافع و حقوق کارگران و مبارزه در راه رسیدن به خواست‌های سیاسی و اقتصادی کارگران می‌باشد. فقط کارگر است که درد کارگرا می‌فهمد و کارمندان باید برای خود شورای کارمندی جدا از شورای کارگری تشکیل دهند." و این همان

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات
ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

گرایشات آنارشیستی...

تمام کارگران بهنگار آن منطقه را در بر میگیرد... در صورتی که کارگران پروژهای، سندیکا و یا اتحادیه خاص خودشان را نداشتند، می‌توانند از طریق نمایندگان خود در گانون شرکت کرده، از این طریق و با استفاده از کمک‌های گانون به ایجاد سندیکای خود اقدام نمایند.

از این جملات هر خواننده اندک آگاهی متوجه می‌شود که "چون تشکیلات کارگری نداریم آن را از بالا و در محل مورد نظر خودمان، محل تجمع روشنفکران انقلابی (که در آن زمان "خانه کارگر" بود) به وجود می‌آوریم. سازمان بهنگار با طرح این شیوه ایجاد تشکیلات کارگری این مسئله را نمی‌فهمد که چون "تشکیلات کارگری نداریم" به عنوان روشنفکران انقلابی موظفیم با شرکت در مبارزات روزمره کارگران و با افشاکاری اقتصادی و سیاسی و تبلیغ لزوم و اهمیت سازماندهی و تشکیلات، سطح آگاهی آنان را ارتقا دهیم و حرکات و اعتراضات کارگران را در تشکیلاتی مناسب و منطبق با تجربیات کارگران سازمان دهیم و نه اینکه "چون تشکیلات کارگری نداریم" به جای توده کارگران، روشنفکران انقلابی و با در بهترین حالات کارگران آگاه و مبارز (و نه توده کارگران) را در محلی جمع کنیم و متشکشان نمائیم و بر آن نام "تشکیلات سراسری کارگران بگذاریم تا بتوانیم با پنهان شدن در پشت آنها به جای پرولتاریا و در عوض آنان ذهنیات خودمان را تبلیغ و به توده‌ها تحمیل کنیم.

جالب اینجاست که در شماره ۲۷ (هفده دیماه ۵۸) بهنگار تحت عنوان "ماهیت ضد کارگری کنفدراسیون کارگران را بشناسیم" که از نخستین شماره "بهنگار" پوشش نشریه گروهی از کارگران کارخانه پوشش نقل شده است، به این نحوه سازماندهی و تشکیلات (از بالا) جواب می‌دهد (مسلمانا آگاهانه، چون حرکات آگاهانه بهنگار خلاف آن را ثابت می‌کند):

"اصولا کنفدراسیون" (بخوان تشکیلات سراسری - گانون سراسری) باید چگونه تشکیل شود؟ کارگران باید اول سندیکا تشکیل دهند و سپس از اتحاد این سندیکاهای اتحادیه‌های کارگری به وجود آید و بالاخره اتحادیه‌های کارگری با هم متحد شوند و کنفدراسیون کارگران را ایجاد کنند... در جلسهای که مسئولان به اصطلاح کنفدراسیون تشکیل دادند، کارگران سئوالاتی کردند که گاملا ماهیت کنفدراسیون چی‌ها را روشن کرد و آنها را رسوا ساخت. یکی از کارگران پرسید چگونه زمانی که هنوز سندیکاهای کارگری ایجاد نشده، شما برای خودتان و بدون اطلاع کارگران دست به ایجاد کنفدراسیون کارگری زده‌اید... نماینده این کنفدراسیون ضدکارگری جواب داد: چیزهایی که شما گفته‌اید وقت زیادی می‌گیرد و چند سال طول می‌کشد. ما یک‌باره آمده‌ایم کنفدراسیون کارگری ایران را به وجود آورده‌ایم بعدا می‌توانیم سندیکا و اتحادیه به وجود آوریم!"

در پایان باید اضافه نمود که تداوم حرکات چپ و حتی تشدید این حرکات توسط این سازمان نکته‌ی است که به روشنی می‌توان بر آن انگشت گذاشت. نمونه بارز و برجسته و جدید آن تصویری است که "بهنگار" شماره ۴۹ از گروه‌گانیگری کارگران مینو ترسیم کرده است:

"گروگان گیری سرمایه‌دار خصوصی وابسته: بدین ترتیب کارگران یکی از بزرگترین سرمایه‌داران خصوصی وابسته را... با بقیه در صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱۰

توجهی از گزارشات چاپ شده در این نشریه تحت عنوان "جنبش کارگری" تأیید و حتی تبلیغ پرشور حرکات و اعتراضاتی است که بر بستر خواست‌ها و نیازهای طبقه کارگر و نیز اعتراضات و مبارزات آنها توسط عده‌ای محدود از کارگران آگاه و مبارز و بدون انطباق با سطح آگاهی و مبارزاتی توده کارگران ایجاد شده است و عملا هم در اکثر موارد به شکست انجامیده است. (گزارشات استارلایت، شادانپور، ایرانا، مینو نازخ و...) نمونه جالب را می‌توان در "گزارشی از تصرف انقلابی یک ساختمان ۹ طبقه

● اگر در روزهای قیام، اگونومیسیم ناب، پرچم پیکار بود، اکنون آنارشیسم ناب پرچم رزم سازمان پیکار است. آنگاه که توده‌های مردم در کوچه و خیابان‌ها گوگتل مولوتف می‌ساختند او سرگرم چانه‌زنی بر سر اضافه حقوق بود!

در خیابان آزادی توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر" در پیکار شماره ۴۰ یافت. در مورد این مساله که "تصرف انقلابی" ساختمان "توسط زحمتکشان گود نشین به چه صورت و تاچه اندازه مطرح بوده است همین بس که برای حفظ ساختمان تداومی از خود نشان ندادند، ثانیاً یکی از گودنشینان جوان که در تصرف ساختمان نقش داشت، در پاسخ پاسداری که از او پرسید چرا اینجا را گرفتید چنین جواب داد:

"والله آمده بودند و گفته بودند که خانه‌های بالای شهر خالی است، آیا نمی‌خواهید در آنها زندگی کنید؟ اگر می‌خواهید بجنبید و ما هم آمده بودیم." علاوه عدم توجه به سطح واقعی مبارزات

● حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف پراکنده‌اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه‌دار متشکل کند و به تدارک بپردازد "پیکار" بی‌تابانه انفجار فشفشه‌های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پرولتاریا می‌نامد و گودخانه اعلام می‌دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود...!"

کارگران و اتخاذ تاکتیک برپایه آن و ایجاد تشکیلات کارگری از بالا "از دیگر جنبه‌های بروز و نمود این طرز تفکر است. "طرح تشکیلاتی کارگران پیکار" که در پیکار شماره ۱۳ ارائه شده است به خوبی این شیوه کار را نشان می‌دهد. توجه کنید:

"به دلیل عدم وجود تشکیلات سراسری کارگری، کارگران پیکار کارخانه‌یی، کارگاهی و یا حتی پروژهای، می‌توانند و باید در یک "گانون سراسری کارگران پیکار" گرد آیند. لیکن لازم است که همراه و همزمان با تشکیل گانون سراسری کارگران پیکار، کارگران مناطق مختلف، اقدام برای ایجاد گانون منطقه‌یی خاص خود بنمایند. این "گانون منطقه‌یی

سوسیال دموکراسی روسیه" (اگونومیسیم) را چنین توضیح می‌دهد: "گسترش تبلیغ، سوسیال دموکرات‌ها را با قشر عقب مانده و تحتانی پرولتاریا روبرو کرد. برای جلب این قشر لازم می‌آمد که مبلغ خود را به نازلترین سطح شعور وفق دهد. او آموخت که "خواست‌ها و ملاحظاتی لحظه مشخص را به پیش کشد و ایده‌آل‌های سوسیالیسم و مبارزه سیاسی را عقب راند. طبیعت فعالیت آماتوری و ناقص سوسیال دموکرات‌ها، روابط بسیار ضعیف میان محفل‌های آموزشی در شهرهای مختلف و بین سوسیال دموکرات‌های روسیه و رفقایشان در خارجه که دانش ژرف و تجارب انقلابی غنی‌تر و نیز آفق سیاسی وسیعتری را دارا بودند طبیعتاً این جنبه (مطلقاً اساسی) فعالیت سوسیال دموکراتیک را بطرز مبالغه آمیزی عمده نمود که به افرادی امکان آن را می‌داد که جوانب دیگر را به فراموشی سپرده...". حال اگر توجه کنیم که سازمان پیکار عمدتاً در محدوده روشنفکران فعالیت می‌کند و سیاست‌هایش نیز عمدتاً از روشنفکران آماتور تغذیه می‌شود در می‌یابیم که این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می‌پروراند و افراط‌هایی را به دنبال دارد که دائماً و به سادگی به یکدیگر بدل می‌شوند. به نحوی که اگر در این حد افراط روشنفکران به دنبال توده‌ها می‌افتند و در مقابل آنها سر فزود می‌آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می‌دانند، در حد دیگر فرسنگها جلوتر از توده‌ها قرار می‌گیرند و به جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می‌زنند و این، یعنی آنارشیسم، بر آن وجه دیگر فعالیت پیکاری‌هاست که در کنار و به موازات وجهی که از آن سخن گفتیم دیده می‌شود. البته باید در نظر داشت که در لحظات متفاوت یکی از این دو وجه اگونومیسیم یا آنارشیسم غالب است.

به آنارشیسم و چپ‌روی سازمان پیکار بپردازیم که فعلاً به نظر می‌رسد جنبه غالب انحراف آن باشد: تصور می‌کنیم خوانندگان نشریه "پیکار" با ما در این مورد اتفاق نظر داشته باشند که عباراتی چون "امروزه تقریباً تمامی کارگران به این حقیقت پی برده‌اند که سرمایه‌دازان با کمک دولت حامی‌شان" (شماره ۳۲) به دفعات و مکرراً به جا یا بی‌جا در متن این نشریه، کار گذاشته شده است در پشت چنین عباراتی همان ایده فرسنگها جلوتر از توده‌ها بودن و ذهنیت خود راهمان ذهنیت آنها دانستن قرار دارد. این نقطه نظر به میزان زیادی در اخبار و گزارشات این نشریه منعکس است. به نحوی که میزان قابل

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

۲۲ سال قبل صهیونیستهای اسرائیلی به کمک کشورهای امپریالیستی سرزمین فلسطین را اشغال کردند

اما سرانجام :

خلق قهرمان فلسطین است که پیروز خواهد شد

۱۵ ماه ۵۸ سالروز تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ هجری شمسی) و تشکیل دولت نژادپرست اسرائیل در سرزمین فلسطینیهاست . جنگ جهانی اول منجر به قطع تسلط امپراطوری عثمانی بر فلسطین شد اما دولت انگلیس توانست توسط جامعه ملل تحالحمایگی این سرزمین را برای خود بدست آورد امری که تا سال ۱۹۴۸ همچنان برقرار ماند .

در اواخر سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقسیم فلسطین را بدو طرف به موجب قطعنامه صورت داده که مطابق با خواست صهیونیستها تنظیم شده بود . این سرزمین بطور کلی به دو بخش تقسیم می شد دولت یهودی بخشی را که نیمی از جمعیت آن عرب و نیم دیگر یهودی بودند . در ... می گرفت و شامل ۵۶٪ کل مساحت فلسطین میشد . بخش دیگر که شامل ۴۴٪ مساحت آن می شد . مسایست تشکیل دولتی عربی را می داد . سگد این بخش عموماً عرب و شامل کمی سینی از ۱٪ یهودی می شد بر طبق این قطعنامه اورشلیم نیز منطقه ای بیالمللی اعلام می شد که مسایست توسط سازمان ملل اداره شود .

در ۱۵ ماه مه ۱۹۴۸ دولت اسرائیل بر مسای این طرح تشکیل شد . در این فاصله مخالفت اعراب به صورتهای گوناگون و پراکنده بود و منجر به کشته شدن هزاران تن و بیرون رانده شدن بیش از یک میلیون نفر آنها از سرزمین اجدادی شان گردید . آنها تا مدت ها چشم به اقدامات دولتهای عرب و سازمان ملل متحد برای احقاق حقوق خود دوخته بودند و زندگی سختی را در اردوگاههایی که بسرعت در کشورهای عرب تدارک دیده شده بود ، می گذراندند . سالها با نام آواره و مسئله اشغال میهنشان تحت عنوان مسئله آوارگان در مجامع بین المللی مطرح بودند اما

از اوایل سال ۱۹۶۵ خلق فلسطین که دیگر از شیوههای دیپلماتیک صرف طرفی نیستند و از دولتهای عربی نیز برای گرفتن حق خویش مایوس شده بود ، بپا خاسته و با تشکل و توسل به مبارزه مسلحانه ، قدم در راه جدیدی از مبارزه نهاد . این مبارزه تا کنون توانسته است هویت سیاسی

در اردن در این مورد نمونه است . دیگر اینکه دشمن ، یعنی صهیونیسم و دولت اشغالی دارای نزدیکترین پیوند ممکن با دولت ایالات متحده است بطوری که اسرائیل بدون کمک امریکا نمی تواند روی پای خود بایستد . از طرف دیگر دولت امریکا نیز

خلق برای آزادی فلسطین در مصاحبه های بعد از شرح سیاست های صهیونیست ها می گوید : این سیاست های مستعمراتی نه تنها با منافع طبقه کارگر بلکه همچنین با منافع دهقانان خرده بورژوازی ، متخصصین و غیره و حتی بخش هایی



در فلسطین ، هر خانه ، اداره ، مدرسه و هرکجای نقطه این خاک ، سنگری است برای مبارزه . عکس ، رزمندگان جوان را در حال آموختن اسلحه نشان می دهد که آتش گلوله های آن قلب محتضر امپریالیسم امریکا را نشانه گرفته است .

و پذیرش جهانی را برای این خلق رزمنده نامین کند مهمتر اینکه امید آنها را به پیروزی اجتناب ناپذیرشان نه بر پایه های واهی بلکه بر اساس واقعیات موجود و ارزیابی نیروهای خودی و دشمن و نیروهای ذخیره هرکدام افزایش داده است . مبارزان فلسطینی بر اساس خصایل عام و مشترک با دیگر جنبش های آزادیبخش از تجارب آنها درسهای زیادی آموخته اند . با اینهمه خصوصیات استثنائی مبارزه خلق قهرمان فلسطین را از دیگر جنبشهای رهاییبخش ممتاز می کند . اول اینکه این خلق عمدتاً نه در سرزمین مادری بلکه عموماً در خارج از میهن خود بسر می برند . این امر پیوند بسیار نزدیک و ضروری را میان جنبش فلسطین و نیروهای مترقی کشورهای میزبان ایجاد می کند بطوری که پیروزی مردم فلسطین با امر انقلاب خورده است . کشتار مبارزان

عمده ترین اهرم اعمال قدرت سیاسی - نظامی و اقتصادی خود را در منطقه در وجود اسرائیل می بیند . بنابراین پیروزی خلق فلسطین ضربه مهلکی بر امپریالیسم امریکا و بطور کلی سیستم امپریالیستی جهانی خواهد بود و بازم به همین دلیل است که مبارزان فلسطینی باید انتظار مقاومتی طولانی از جانب دشمن را داشته باشند ، مقاومتی که سرانجام با نابودی اسرائیل و انحطاط امپریالیسم روبرو خواهد شد .

از بورژوازی ملی ، به ویژه در مناطق اشغالی ، تضادی آشتی ناپذیر دارد این است پایه عینی برای اتحاد وسیع طبقاتی دشمن در شکل جبهه متحد ملی که شامل تمامی احزاب و سازمان های نماینده این طبقات ، نیروهای گوناگون ملی و سازمان های خلقی (اتحادیه های زنان ، دانش آموزان ، دهقانان و کارگران) می شود . اما جبهه خلق برای آزادی فلسطین به هیچوجه بر این عقیده نیست که سازمان ها و احزاب گوناگون اختلافات خود را در وجود جبهه خلق ندیده بگیرند و مرزهای طبقاتی را مخدوش سازند . جرح حبش چهار خصوصیت را برای این جبهه ضروری می داند : اول اینکه استقلال ایدئولوژیکی ، سیاسی و تشکیلاتی هر سازمان واجمله حزب طبقه کارگر در چارچوب

جبهه برقرار باشد . دوم اینکه برنامه مشترک می بایست آنچنان برنامه میهن پرستانه ای باشد که هیچگونه راه گریزی برای بورژوازی در آن وجود نداشته باشد که امکان دهد این طبقه با سازش طرح های ساخته و پرداخته امپریالیسم ، انقلاب را به نابودی بکشاند . سوم آنکه حزب طبقه کارگر مبارزه ای اصولی را در داخل جبهه به منظور بسط و تکامل برنامه مشترک به کار بندد . و بالاخره خصوصیت چهارم اعمال اصول دمکراتیک در روابط بین نیروهای گوناگون موجود در جبهه است .

جبهه خلق برای آزادی فلسطین شرط پیروزی بر دشمن را جنگ دراز مدت توده ای می داند . جنگی که توسط جبهه خلق سازماندهی و رهبری می شود . اما در مورد رهبری حزب طبقه کارگر در جبهه خلق معتقد است که این هدف استراتژیکی است که برای رسیدن به آن باید مبارزه کرد . اما این امر به هیچوجه از اهمیت چنین جبهه ای جتی قبل از نامین حزب پیشاهنگ در آن نمی گاهد .

امپریالیسم و صهیونیسم همواره تلاش می کنند تا نیروهای گوناگون مقاومت را از یکدیگر پراکنده سازند . اما طبقه کارگر موظف است حداکثر تلاش را برای بسیج هرچه بیشتر مردم فلسطین و نامین بالاترین سطح وحدت ممکن در بین آنان بنماید . حتی در زمانی که هنوز بورژوازی نقش مسلط را در انقلاب به عهده دارد . خلق فلسطین تا پیروزی نهایی هنوز راه درازی در پیش دارد . اما از هم اکنون نشانه هایی از شکست دشمن به چشم می خورد . اردوگاه امپریالیسم با بحرانی اقتصادی مواجه است و دولت صهیونیستی اسرائیل هم بعنوان جزئی از این سیستم از عوارض این بحران در امان نیست . اما قابل توجه این است که شدت بحران در اسرائیل به مراتب بیشتر است . تورم در اوایل سال جاری به حدود ۱۰۰٪ رسیده . اعتصابات در کشور افزایش می یابد و ارزش پوند اسرائیلی به سطحی که تاکنون سابقه نداشته است تنزل کرده است .

بقیه در صفحه ۱۴

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا



بقیماز صفحه ۱۱

گرایشات آنارشستی و...

گروگان گرفتند... این بزرگترین مبارزه کارگران کارخانه مینو در طی بیست سال عمر کارخانه بود... چهارشنبه ۱ اسفند ۵۸ خبر رسیده بود که چند تن از عوامل کارفرما... شروع به توطئه نموده و می خواهند کارمندان را به اعتصاب وادار کنند و جریانی مثل جریان خرمدره درست کنند. بلافاصله از طرف دفتر هماهنگی حکم بازداشت آنها صادر شد... در این روز انتظامات منظم تر و عالی تر از روزهای قبل بود. از طرف خود کارگران افسر گشیک تعیین شد. و به نوبت هر ۶ ساعت به ۶ ساعت پستها تعویض می شد. در ضمن از طرف دفتر هماهنگی اسم شب تعیین شد و اسم به کارگرانی که در شب گشت می دادند یاد داده شد تا افراد غریبه و غیر مسئول شناسائی گردند. همچنین در پستهای حساس مثل پمپ بنزین، موتورخانه، افراد بیشتر و هوشیارتری به نگهبانی گماشته شدند. تمام پستها و تابلوهای برق کاملا محافظت می شد... در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود... یکشنبه ۱۲/۵ کارگران آن روز چوب و لاستیک آماده کرده بودند تا در مقابل گاز اشک آور و نبرد تن به تن آماده باشند. آنروز کارگران بنزین، شیشه و روغن آماده کرده بودند، آنروز کارگران کوکتل مولوتف درست کرده بودند تا در صورت حمله مقابله کنند! آری آنروز سطح بالای مبارزات کارگران ایران که بطور خودبخودی دست به مقاومت مسلحانه می زنند به نمایش گذاشته شد.

(تاکیدات از خودنشریه پیکار است) به این می گویند تبلیغ سوسیال دموکراسی ناب! گوئی "پیکار" می خواهد تلافی عدم حضورش در قیام را در آورد. اگر در روزهای قیام اکنون میسم ناب، پرچم پیکار بود اکنون آنارشیزم ناب پرچم رزم سازمان پیکار است! آنگاه که توده های مردم در کوچه و خیابانها کوکتل مولوتف می ساختند او سرگرم چانه زنی بر سر اضافه حقوق بود و حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف پراکنده اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه دار متشکل کند و به تدارک بپردازد "پیکار" بی تابانه انفجار فشفشه های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پرولتاریا می نامد و کودکانه اعلام می دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود...!" "پیکار" تنها ناتوانی عظیم خود را درک قانونمند مبارزه توده ها به نمایش می گذارد و از گسترش و چگونگی گذار مسالمت آمیز مبارزات توده ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی داند و همواره آماده است که قهر پیشرو و عصبیت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده ای بنشاند. مواضع "پیکار" در جریان تهاجم به دانشگاهها گواه دیگری بر این حقیقت است. "پیکار" تنها ماجراجویی انقلابی روشنفکران خرده بورژوا و آنارشستی را که بدان مبتلا است با روشنی به نمایش می گذارد و آن را اثبات می کند...

صفحات ۵ و ۶ "کارگر به پیش" شماره ۲

توطئه اخراج کارگران و ضرورت اتحاد کارگران رسمی و پیمانی در مقابل آن

کارگران پیمانی در چنین شرایطی موفق شدند با طرح خواستهائی از قبیل:

- ۱- استخدام رسمی
- ۲- سود ویژه
- ۳- عیدی
- ۴- پرداخت حقوق روزهای تعطیلی

و... به برخی از این خواستها برسند. ولی پس از عید که کارگران به کار بازگشتند و جو عمومی اعتراضات فروکش کرد، مدیرعامل توانست (با اتکای قانون کار) طرح توطئه جدیدی را بریزد. او شروع به اخراج کارگران پیمانی نموده و روزانه ۲۵ تن از آنان را اخراج می نمود.

پس از چندروز بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران را اخراج کرد و در مورد بقیه کارگران پیمانی هم قرار شد که قرارداد آنها فقط از فروردین ۵۹ به بعد به حساب آورده شود و هر ماه هم

گردد تا بدین ترتیب دست سرمایه دار برای اخراج بقیه کارگران و پایمال کردن حقوق و مزایایشان باز باشد و بطور کلی مسئله رسمی شدن آنها را از طریق تصدیق قرارداد کار بکلی منتفی سازد.

و این تنها در چارچوب قانون کار و آئین نامه های آریامهری امکان پذیر است. قانون کاری که قانون کارفرماست و از حقوق کارفرما و سرمایه دار علیه کارگران حمایت می کند. کارگران پیمانی تنها در اتحاد با کارگران رسمی و با اقدامات اعتراضی هماهنگ و یکپارچه با آنان می توانند کارفرما را به قبول حقوق خویش وادار سازند و از آن مهم تر در چارچوب چنین اتحادی است که قادر خواهد

بود که در صورت لزوم با اقدامات اعتراضی هماهنگ و یکپارچه با آنان می توانند کارفرما را به قبول حقوق خویش وادار سازند و از آن مهم تر در چارچوب چنین اتحادی است که قادر خواهد

بود که در صورت لزوم با اقدامات اعتراضی هماهنگ و یکپارچه با آنان می توانند کارفرما را به قبول حقوق خویش وادار سازند و از آن مهم تر در چارچوب چنین اتحادی است که قادر خواهد

بود که در صورت لزوم با اقدامات اعتراضی هماهنگ و یکپارچه با آنان می توانند کارفرما را به قبول حقوق خویش وادار سازند و از آن مهم تر در چارچوب چنین اتحادی است که قادر خواهد

بود که در صورت لزوم با اقدامات اعتراضی هماهنگ و یکپارچه با آنان می توانند کارفرما را به قبول حقوق خویش وادار سازند و از آن مهم تر در چارچوب چنین اتحادی است که قادر خواهد

بود که در صورت لزوم با اقدامات اعتراضی هماهنگ و یکپارچه با آنان می توانند کارفرما را به قبول حقوق خویش وادار سازند و از آن مهم تر در چارچوب چنین اتحادی است که قادر خواهد

بود که در صورت لزوم با اقدامات اعتراضی هماهنگ و یکپارچه با آنان می توانند کارفرما را به قبول حقوق خویش وادار سازند و از آن مهم تر در چارچوب چنین اتحادی است که قادر خواهد

تبعیض آمیز) به منظور مقاومت در برابر اخراج بخشی از کارگران.

۲- برخورد کلی و اصولی با آن که در چارچوب تقویت این تشکل و هماهنگی آگاهانه با دیگر تشکیلات کارگری عملی می شود و چیزی مهم تر از مبارزه با اخراج کارگران این یا آن کارخانه را در خود دارد، یعنی برخورد با کلیت قانون کار و تلاش در جهت تدوین قوانین کارگری به وسیله نمایندگان واقعی و آگاه این تشکلها.

در اینجا ما به گزارش مشخص یکی از اخراجهای دسته جمعی اخیر می پردازیم:

در کارخانه شیشه قزوین در حدود ۱۰۰۰ نفر کار می کنند. از اوائل سال اردیبهشت سال قبل، حدود ۳۰۰ کارگر پیمانی مشغول به کار شدند. مدیرعامل کارخانه (ایرانطلب) با اطلاق موقت و روزمزد بودن (پیمانی بودن) می خواست از یکطرف هروقت که اراده کرد بتواند کارگران را اخراج کند و از طرفی حقوق و مزایای کارگران رسمی را به آنان نپردازد. او زیر چتر حمایتی قانون کار ضد کارگری و به ویژه ماده ۳۳ این اقدامات ضد کارگری را انجام می داد. کارگران پیمانی به واسطه پایگاه روستائیشان و به ویژه موقتی بودنشان، نتوانستند به اتحاد و تشکلی پایدار (در برابر این اجنافات کارفرما و قانون کار) دست یابند و کارفرما نیز متقابلا با اخراج های پیاپی به این عدم تشکل کارگران دامن می زد تا اینکه در اسفند ماه گذشته به دنبال اعتراضات کارگران رسمی به نحوه پرداخت سود و عیدی و... زمینه مناسبی فراهم شد تا کارگران پیمانی هم بتوانند بطور یکپارچه حرکت کرده و از میان خود ۵ تن را به نمایندگی برگزینند

۱- توطئه طبقه سرمایه دار و عواملش در کار تولید و اداره کارخانه ها، با بهره برداری از قوانین ضد کارگری موجود (که میراث دوره آریامهری است)

۲- ضعف تشکل و آگاهی کارگران (به ویژه کارگران موقت) در امر مبارزه با سرمایه داران و قوانین ضد کارگری حامی آنها.

حاکمیت قوانین ضد کارگری موجود و به ویژه قانون کار مشخصا دست کارفرما را باز می گذارد تا با اتکای به آن بتواند کارگران را به آسانی اخراج نماید. این "حقی" که قانون کار و دولت به سرمایه دار می دهند به نحو موثری دامنه اخراج کارگران را گسترش می دهد و کارگران را گروه گروه به صفوف میلیونی بیکاران می افزاید. با توجه به این مسئله، چگونگی برخورد کارگران نیز در مقابل اخراج می تواند عمدتا دو جنبه داشته باشد:

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

نامه یکی از هواداران

از عشق و فداکاری زحمتکشان نیرو بگیریم

آنچه که در زیر می آید، گوشه‌هایی از خاطرات زحمتکشان است که با عشق و ایمانی تزلزل ناپذیر به رهسپاری زحمتکشان از استعمار و ستم طبقاتی کار و مبارزه می‌کنند و با ایثار و آگاهانه و ستایش انگیز راه مبارزه برای زندگی نوین را در پیش گرفته‌اند. آنچه که می‌خوانید، نوشته‌ای است که یکی از رفقای هوادار برایمان فرستاده است.

دستی روی شانه‌اش می‌زنم و سلام می‌کنم. به آرامی برمی‌گردد و بکمرته با خوشحالی مرا در آغوش می‌گیرد. شروع می‌کند به درد دل: "خوب شد آمدی، قلم داشت می‌ترکید. این حاجی را دیدی؟" گفتم: "بله، همه صحبت‌هایتان را هم شنیدم" گفتم: "داشتم حساب می‌کردم که این آدم روزانه چقدر عایدی دارد، فقط از همین سه دستگاه که حساب کنیم یعنی توی ۷۰ متر زمین ۲۵۰۰ تومان درآمد مفت دارد تازه هنوز این از اون کله گنده‌هاش نیست. حالا ببین سرمایه‌دارهای کله گنده دیگر چه زندگی ای دارند و بعد با زندگی ما مقایسه‌اش کن که هر روز باید نگران نان شبمان باشیم این وضع تا کی باید دوام بیاورد؟ رفیق کارگری دارم که همیشه به من می‌گوید: "این وضع زیاد دوام نمی‌آورد چون مردم دارند راه مبارزه کردن را یاد می‌گیرند، سرمایه‌داری کلکش کنده است آن وقت اوضاع سر و سامان می‌گیرد." بعد رفیق دستفروش چهره‌اش باز می‌شود و با امید و اشتیاق به من می‌نگرد و من نیز تأیید می‌کنم که بله همانطور می‌گوید. بعد مرا کنار دستش می‌نشاند تا از این رفیق بیشتر برآیم صحبت کند. او تعریف می‌کند: "این رفیق که سالهای سال در کوره یز-خانه‌ها، کارخانه‌ها و ... کار کرده بود و در همین اواخر نیز کارگر یکی از کارخانه‌های تبریز بود. به شدت به سازمان فدائی علاقمند است و عشق می‌ورزد و از آن بیشتر از نظام سرمایه‌داری نفرت دارد. این رفیق من بخاطر فعالیت‌های زیادش و اینکه در کارخانه در مقابل زورگویی‌های کارفرما مقاومت می‌کرد، او را از کارخانه اخراج کردند. او با جدیت توانست حق اخراج خودش را از اداره کار بگیرد و در مدت بیکاری زندگی‌اش را از همین پولی که گرفته بود بگذراند. رفیقم عادت داشت همیشه یک مقدار از درآمدش

را حالا هرچقدر کم یا زیاد به سازمان فدائی بدهد. روزی به زنش گفته بود: سازمان حتی بیشتر از من و تو به این پولها احتیاج دارد چون در راه سعادت ما و فرزندانمان مبارزه می‌کند." آخرین بار که او را دیدم، مشغول دستفروشی بود. او به من گفت: "ما زحمتکشان به اضافه کرد: "من هرچه بفروشم خرج روزانه خودم و زن و بچه‌هایم را برمی‌دارم و بقیه را به سازمان می‌دهم. علاوه بر آن به محله‌های فقیر نشین می‌روم و مردم را به راه فدائیان خلق آشنا می‌کنم و از آرمان کارگران دفاع می‌کنم" رفیق دستفروش من در حالیکه فظرفه‌ای اشک در چشمش نشسته بود، لبخند تلخی زد و گفت: "راستی من امروز نتوانستم چیزی بفروشم" ساکت شد و به فکر فرو رفت. یادم آمد که او چند روز پیش برای دیدن زن و بچه‌اش به تبریز رفته بود. از حال آنها پرسیدم، گفت: "زنم مریض است، پول دوا و دکتر کم داشتم و برگشتم چند روزی شلاقی کار کنم و بعد بروم تبریز، بمرش دکتر ولی انگار همه درها به رویمان بسته است" و باز ساکت شد. غم و درد چهره مهربانش را پوشانده بود. به من نگاه کرد و چون ناراحتی مرادید شروع به خندیدن کرد تا به من دلداری داده باشد ولی اندوه و درد را در خنده‌اش نیز می‌دیدم. هوا تاریک شده بود. با کمک یکدیگر بساطش را جمع کردیم. در حین جمع‌آوری وسایل گفت: "می‌خواهم از این به بعد من هم هرچه فروختم سهمی از آن را برای سازمان بفرستم امید و آینده ما همین است." بعد رو کرد به من و گفت: "تو میتوانی برایشان ببری؟" حالتی از تأثر، شور و شرمساری در من پدید آمد و سخت منقلبم کردم. بطرف خانه به راه افتادم. عرق شرم بر پیشانی‌ام نشسته بود. خود را در مقایسه با آنها ناچیز می‌دیدم. توده مردم آموزگاران کبیری هستند.

بیشرفت جنبش مقاومت فلسطین اثرات تشدید کننده‌ای در بحران برجای می‌گذارد. دولت صهیونیستی اسرائیل برای مقابله با جنبش مقاومت فلسطین و پیشبرد سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه خود سالیانه میلیاردها دلار صرف خرید سلاح‌های پیشرفته می‌کند. از طرف دیگر اعتباراتی که از کشورهای امپریالیستی برای اجرای برنامه‌های نظامی و مستعمراتی گرفته می‌شود دارای بازدهی مالی نیست و در نتیجه باعث رویهم انباشته شدن قرض و افزایش مشکلات اقتصادی می‌شود. ما اطمینان داریم خلق فلسطین با مبارزات درخشان خود راه خویش را به سوی پیروزی نهائی می‌کشاید و این امر با وجود کارشکنی‌ها و نفاق افکنی‌های جریان‌های ارتجاعی مانند امل که روز بروز ماهیتش برای مردم فلسطین بیشتر آشکار می‌شود ادامه خواهد یافت. آنها در این مبارزه تنها نیستند. تمام نیروهای ضد امپریالیست و صلح‌دوست جهان، کشورهای

سوسیالیستی، جنبش‌های آزادیبخش و دولت‌های آزاد شده از بند امپریالیسم و کارگران و زحمتکشان کشورهای سرمایه‌داری متحدین طبیعی آنها در مبارزه مشترک ضد امپریالیستی‌شان هستند. مردم میهن ما نیز یار دیگر همستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام می‌دارند و پیوندی را که سال‌های سیاه اختناق در ایران زمان شاه خائن نتوانست آن را قطع کند گرامی می‌دارند. در رژیم گذشته نام بردن از فلسطین نیز جرم بود اما انقلابیون ایرانی جنبش مقاومت فلسطین را از مبارزات انقلابی ایران جدا نمی‌دانستند. آموزش و مبارزه رفقای سازمان ما و سازمان مجاهدین خلق ایران در کارزار فلسطین شاهد این امر است. همستگی متقابل جنبش انقلابی فلسطین با تمامی مبارزان ضد امپریالیست در جهان این امر را برای خلق فلسطین فراهم آورده است که از تمامی تجربیات و امکانات سیاسی ایدئولوژیکی و مادی بشریت مترقی برخوردار باشد این امر بی‌شک ضامن موفقیت قطعی آنهاست.

قابل توجه رفقا! با توجه به این که گاهی فاصله زمانی ارسال کمک‌مالی از جانب شما و تنظیم و چاپ "کد" مبلغ "در" کار" به دو یا سه هفته می‌کشد، در صورت چاپ نشدن "کد" مبلغ خود بعد از سه هفته در این مورد تذکره دهید.

کمکهای مالی دریافت شده

Table with columns for donor names and amounts. Includes names like 'ب.ب.ب.', 'م.م.م.', 'س.س.س.' and various numerical values.

چهارشنبه
سال دوم
چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۹
سال دوم - شماره ۵۹ - صفحه ۱۴
۲۲ سال قبل صهیونیستهای ...
بقیماز صفحه ۱۲
۱۲۶
سند
ارتش
وارد شهر
کرد از ش
پیرامون ش
شهر سند
خود گرفته
در دست
دست به
سرکوبگران
تاریخ ۲۴
سئون ارت
بو مستق
حمله پیش
جمعا در
تانک در
ورودی از
باوجود
پاسداران
وارد شهر
و تلفن د
منازها
مردم شهر
مخالفت
وجود ارت
شهر
گروه‌های
دسته‌های
داده‌اند
سرود
می‌زنند
پاسداران
قرار می
جوانان د
همچنان
کرما
فرمانده
کرمانشاه
رفتن با
برکنارش
بیراز
در از
دوآب ی
نظامی ک
شدند.
قصد دا
مستقر ش
۲۷
سند
ارتش
سند
می‌کنند
عوض ک
به طره
دیوارها
می‌چسب
تانه‌ها
رعب در
آورد
این
تائیری
مازی
بچه‌های
دست
آنها
سرکوبگر
سرود
می‌خواز
گردمان

چه کسانی به جای صلح، جنگ...

۲۶ اردیبهشت

سنندج

ارتش و سپاه پاسداران وارد شهر شده‌اند. پیشمرگان کرد از شهر خارج شده و پیرامون شهر مستقر شده‌اند. شهر سنندج چهره دیگری به خود گرفته است. اهالی شهر در دسته‌های سرودخوانان دست به تظاهرات علیه سرکوبگران می‌زنند. در تاریخ ۲۴ اردیبهشت یک ستون ارتش که در تپه "شب بو" مستقر شده بود مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت. جمعا در حدود ۶۰ فروند تانک در شهر و راههای ورودی آن مستقر شده‌اند. باوجود این نظامیان و پاسداران کمتر جرات می‌کنند وارد شهر شوند. آب و برق و تلفن در شهر قطع است. مغازها تعطیل هستند و مردم شهر به اشکال مختلف مخالفت خود را نسبت به وجود ارتش و پاسداران در شهر نشان می‌دهند. گروه‌های جوان و نوجوانی که دسته‌های سرودخوان تشکیل داده‌اند و در کوچه‌های شهر سرود "تفریب" را فریاد می‌زنند توسط نظامیان و پاسداران دستگیر و مورد آزار قرار می‌گیرند اما سرود جوانان در کوچه‌های سنندج همچنان طنین افکن است.

کرمانشاه

فرمانده لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه به علت امتناع از رفتن به کردستان از کار برکنار شده است.

پیرانشهر

در اثر انفجار مین در راه دوآب بین نرده و پیرانشهر ۴ نظامی کشته و دو نفر زخمی شدند. این ستون نظامی قصد داشت در بالای کوه مستقر شود.

۲۷ اردیبهشت

سنندج

ارتش و پاسداران که در سنندج مستقر شده‌اند تلاش می‌کنند نمای ظاهری شهر را عوض کنند. آنها شعارهایی به طرفداری از خود روی دیوارها می‌نویسند. پوستر می‌چسبانند و سلاح‌ها و تانک‌هایشان را برای ایجاد رعب در سطح شهر به نمایش درآوردند. هیچکدام از این اقدامات کوچکترین تاثیری روی روحیه مردم مبارز شهر نمی‌گذارد. به‌همی‌های کوچک اشغالگران را دست می‌نشانند، دنبال آنها راه افتاده، علیه سرکوبگران شعار می‌دهند و سرود "تفریب" را می‌خوانند. بازاریان اعلام کرده‌اند تا وقتی که دستگیری

افراد و تفتیش خانه‌ها پایان نیابد دست از تعطیل مغازهای خود برنخواهند داشت. دو دختر رزمنده اعدام شده‌اند و تعداد جوانان اعدام شده تاکنون به حدود ۱۲ نفر رسیده است. عده‌ای از پزشکان و پرستاران متعهد شهر که به کمک پیشمرگان شتافته بودند دستگیر شده‌اند.

پاسداران کودکان هفت - هشت ساله را به صف کرده به آنها کمپوت و شیرینی می‌دهند و به این وسیله از آنها می‌خواهند که جای پیشمرگه‌ای را به آنها نشان دهند، اما این کودکان در روزهای حماسه آفرین پدران، برادران، مادران و خواهران خود، سکوت و رازداری را در مکتب مبارزه آموخته‌اند. آنها به پاسداران پشت می‌کنند و به بازی کودکانه خود ادامه می‌دهند. شب‌ها با وجود حکومت نظامی تیراندازی در شهر به شدت صورت می‌گیرد. بیشتر درگیری‌ها به خارج از شهر منتقل شده است و از فرودگاه سنندج تا نزدیک کامپاران حدود "توانکش" جاده‌ها در اختیار پیشمرگان است. در جاده‌های دیگر که توسط ارتش و پاسداران کنترل می‌شوند دستگیری اهالی شهر ادامه دارد. در طی سه روز اخیر مردم سنندج تظاهرات بزرگی در محلات مختلف شهر به راه‌انداختند. آنها طی شعارهایی اعتراض خود را به ورود ارتش به شهر نشان دادند، حکومت نظامی را محکوم و از پیشمرگان شهید تجلیل به عمل آوردند. به این ترتیب مقاومت و مبارزه مردم در اشکال سیاسی خود در شهر جریان دارد. خیلی از مردم حتی از پذیرفتن مواد غذایی کمکی امتناع می‌کنند. پیروزی در محله قطارچیان ضمن خودداری از گرفتن مواد غذایی، مشتی خاک از زمین برداشته و می‌خورد، پیروز دلاور با صدای بلند می‌گوید:

"من این خاک را می‌خورم اما هرگز از برنج و روغن شما نخواهم خورد!"

در نمازجمعه‌ای که به امامت یک روحانی که از قم آمده است برگزار شد کمتر از ۱۰۰ نفر از شهری که ۱۲۰ هزار نفر جمعیت دارد شرکت کردند.

شب گذشته برای دومین بار درگیری‌های وسیعی در اطراف فرودگاه سنندج رخ داد که به مدت دو ساعت ادامه داشت.

بوکان

ساعت ۱۱ صبح ۲ فروند هلی‌کوپتر بر فراز جاده بوکان - میاندوآب در روستای "ملا" به پرواز درآمده و با مسلسل‌های کالیبر ۷۵ این

مناطق را گلوله‌باران کردند. یک فروند هلی‌کوپتر نیز اطراف کوه "ناله شکسته" را به رگبار بسته و چند راکت به اطراف این روستا پرتاب نموده است. این پروازها در طول شب ادامه داشته است.

بانه

دو فروند فانتوم شهر بانه را به وسیله راکت مورد حمله قرار دادند. پادگان همچنان بین پیشمرگان و نظامیان تقسیم شده و جنگ سنگر به سنگر در داخل پادگان بانه جریان دارد. تیپ زرهی که قصد دارد برای جلوگیری از سقوط پادگان بانه عازم این شهر شود، هنوز به مقصد نرسیده است.

سنگر

شهر همچنان به وسیله توپ و خمپاره و کالیبر ۵۵ کوبیده می‌شود. پاسداران نمی‌توانند از مواضع خود که یک ماه قبل در آن مستقر شده‌اند، به جلو پیشروی نمایند به همین جهت تنها با خمپاره و گلوله‌باران شهر اکتفا می‌کنند.

در اثر اصابت گلوله خمپاره شرکت اتوبوسرانی اطمینان در سقز آتش گرفته و ماشینهای داخل آن سوخته است. در اثر تیراندازی‌های اخیر دو کودک چهارساله و شش ساله به نام‌های محمدسلیمی و رحمان سلیمی و یک پیرمرد زخمی شده‌اند.

خوی

پرسنل پادگان خوی در اعتراض به جنگ تحمیلی کردستان و برای خودداری از رفتن به این منطقه متحصن شده‌اند.

شیراز

در شیراز نیز پرسنل پادگان متحصن شده‌اند. از قرار معلوم عده‌ای از پرسنل این پادگان نیز در دادگاه به اعدام و زندان محکوم شده‌اند که پرونده آنها به مرکز ارسال شده است.

جلدیان

دیروز و پرویز درگیری‌های در اطراف پادگان جلدیان در گرفت که عده‌ای از زاندارم‌های محل کشته شدند و پادگان پیرانشهر به حالت آماده باش درآمده است.

۲۸ اردیبهشت

سنندج

در اطراف سنندج جنگ هنوز ادامه دارد، در طول شب نیز درگیری‌ها در شهر شدت می‌یابد. مردم شهر به ویژه زنان از تفتیش خانه‌ها به وسیله پاسداران جلوگیری می‌کنند.



خلق مبارز کرد، در کنار سایر خلقهای دلاور ایران برای صلحی عادلانه و ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند تا لحظه‌های عشق و صلح و آزادی را به ارمغان آورند.

جنوب تهران :

ساکنین قریه اسفندیاری را می‌خواهند

از خانه‌هایشان بیرون کنند

"ارباب می‌خواهد با پخش مطالب دروغین بین ما و اهالی زحمتکش منطقه تفرقه بیندازد."

روستائیان مبارز قریه "اسفندیاری" واقع در جنوب تهران سالهاست که با ظلم و ستم فتوادل‌ها مبارزه می‌کنند طی تالیلهای اخیر اکثریت زمین‌های این منطقه توسط اربابها به تدریج قطعه‌قطعه شده و به عنوان زمین مسکونی به فروش رسیده است. فتوادل‌ها که به این ترتیب می‌خواهند روستائیان را از زمین‌هایشان بیرون کنند. اخیرا دست به حمله جدیدی زده‌اند و با انتشار مطالبی برای دروغ در مطبوعات از وسایل اینکه روستائیان مخالف اتحاد پارک برای صاحبان خانه‌های مسکونی هستند و با عده‌ای از خارج مستقر کرده‌اند سعی در تفرقه افکنی بین زحمتکش روستا ساکنین منطقه دارند. آنها به این ترتیب می‌خواهند جلوی گسترش مبارزات روستائیان برای مصاحبه زمین‌های خود را بگیرند.

کشاورزان مبارز "قریه" درحالی که با هوشتاری با این اعمال تفرقه‌افکنانه زمینداران بزرگ مبارزه می‌کنند همچنان مصمند که زمین‌های خود را صادرکنند اعتراض خود را به مطالبی که در مورد مبارزات آنها در بعضی از مطبوعات، به دروغ منعکس شده است، اعلام داشته‌اند.

توضیح

در "کار" ویژه کردستان شماره ۳ خبری نقل شده بود تحت نام "اعدام دو خلبان در اصفهان" در تاریخ ۹ اردیبهشت چنین اعدامی صورت نگرفته است و بدینوسیله خبر تصحیح می‌شود.

مبارزات روستائیان زحمتکش منطقه خرقان ساوه (روستای ویدر)

زحمتکش روستای "ویدر" همانند اکثر روستائیان میهنمان سالهاست که با زورگویی و ستم زمین‌داران و سرمایه‌داران بزرگ روبرو هستند. تمام نارسائی‌ها و کمبودهایی که در گذشته وجود داشت و روستائیان به‌خاطر از بین بردن آنها علیه رژیم سابق به مبارزه پرداختند، امروز هم بر دوش اهالی این روستا سنگینی می‌کند. مبارزه مردم "ویدر" علیه زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران در سال ۵۶ - ۵۵ دامنه بسیار گسترده‌ای پیدا کرد. آنها به کمک جوانان آگاه روستا، در برابر تجاوزات "ایرج خان سفامرحسینی" که زمینهای زراعی هفتان را غصب می‌کرد، به مقاومت متحد و یکپارچه‌ای دست زدند و علیرغم حملات سرکوبگرانه زاندارم‌ری و پلیس آریامهرق مردانه ایستادند و سرانجام زمین‌های غصب‌شده‌شان را با اراده‌ای انقلابی پس گرفتند پس از قیام همراه با اوج‌گیری مبارزه زحمتکش روستا در سراسر ایران، اهالی "ویدر" نیز به حرکت انقلابی خود اوج تازه‌ای بخشیدند. آنها معدن روستا را که در تصرف سرمایه‌داری نام "یورفرزب" بود، به نفع خود صادره و مورد بهره برداری قرار دادند. سرمایه‌دار مزبور که از عوامل رژیم سابق است و امروز زیر قنای اسلام خیزیده و جا نماز آب می‌کشد، با مراجعه به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی، نامه‌ای به امضای آقای کنی دریافت می‌کند با این مضمون که اهالی روستا نمی‌بایست مزاحم کار وی شوند. او با استفاده از این نامه و به نصت پاسداران مردم را تهدید می‌کند که در صورت ادامه تصرف معدن آنها را به اتهام خرابکاری به دادگاه انقلاب اسلامی معرفی خواهد کرد.

روستائیان بارها به مقامات مسئول مراجعه می‌کنند ولی همه‌جا با حمایت آنان از سرمایه‌دار مزبور فشار کمیته و پاسداران رضایت می‌دهند که در ازای دریافت مبلغ "مینی" در ماه اداره معدن را موقتاً به سرمایه‌دار مزبور بپسارند.

همه شهادت‌های خلق کرد



دوره خلیق قداکر ودر برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم

گرماى باد خاطره رفقای شهید اردیبهشت ماه

- مرصیه احمدی اسکوتی • بهروز دهقانی • علی اکبر جعفری • مریم پنجه شاهی • فرزاد دادگر • بهروز ارغمانی
- محمدرضا قنبریور • عزت غروی • کاظم سعادتى • جها نگیر باقری یور • فریده غروی • اسماعیل عابدی
- حسین فاطمی • ارژنگ شایگان • میترا بلبل صفت • قربان علی زرکاری • خلیل سلما سی نژاد
- شیرین فضیلت کلام • ناصر شایگان • فرهاد صدیقی پناشکی • لادن آل آقا • قربان علی زرکاری
- محمود نمازی • مهدی حاتمی • احمد رضا قنبریور • زهرا مدیر شانه چی

هر ماه برای سازمان ما ، ماه شهادت ، ماه مقاومت و ماه فدائیکاری در راه رهایی خلق است . خاطره رفقای که در سالیان ستم و دیکتاتوری ، دلاورانہ بیخاستند و با نثار خون خود آرمان وفاداری و ایثار در راه خلق را آموزش دادند ، بدون تردید همیشه ماندنی است . خاطره شهدای اردیبهشت ماه را گرمی میداریم اسامی رفقای که در اردیبهشت ماه به شهادت رسیده اند :

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام

به مناسبت :
نودمین زادروز رفیق هوشی مین - پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ویتنام سی و پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام و پنجمین سالگرد پیروزی کامل انقلاب در جنوب

رفقا ، سلام های گرم ما را به مناسبت فرا رسیدن سالگرد این روزهای تاریخی که نقاطی درخشان در تاریخ مبارزات حماسی خلق برادر ویتنام علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا و در جهت رسیدن به صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم می باشد بپذیرید .

حزب کمونیست ویتنام به رهبری رفیق هوشی مین با درک عمیق مارکسیسم - لنینیسم و انطباق آن بر شرایط ویتنام و مبارزه با انحرافات گوناگون در جنبش کمونیستی ویتنام و جهان ، توانست انقلاب ویتنام را به پیروزی کامل رسانیده ، کشور را متحد ساخته ، گام های عظیمی در راه ساختمان سوسیالیسم ، دفاع از میهن سوسیالیستی و اجرای وظایف انترناسیونالیستی خویش بردارد .

خلق قهرمان ویتنام اسامی در شرایطی سالگرد این روزهای تاریخی را جشن می گیرد که در کشور خود گام های عظیمی در جهت پیشرفت اجتماعی ، برقراری صلح ، دموکراسی و ساختمان سوسیالیسم به جلو برداشته است . جمهوری سوسیالیستی ویتنام تحت رهبری حزب پرافتخار کمونیست با برافراشتن پرچم انترناسیونالیسم پرولتاری ، سهم عظیم خود را در پیشبرد انقلاب جهانی ایفا نموده است و مورد مباحثات کمونیست های سراسر جهان می باشد . طبقه کارگر و خلق های سراسر جهان و منجمله ایران همواره از مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر و مردم ویتنام در مبارزه انقلابی خود الهام گرفته و درس های آن را در مبارزات خود به کار بستند .

رفقای ویتنامی !
مردم ما اینک از هر سو با تجاوزات و توطئه های امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن روبرو است ما به پیروزی مردم خود بر امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن ایمان داریم . شما بدون تردید خروش مردم ما را که در عین حال صدای همبستگی آنان با خلق قهرمان ویتنام است شنیده اید . ما یک بار دیگر با خرسندی این پیام را برای شما بازگو می کنیم :
" امریکا تو خالیست ، ویتنام گواهیست "
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن ابراز همبستگی انترناسیونالیستی خود با جمهوری سوسیالیستی ویتنام موفقیت های بیشتری را برای خلق قهرمان ویتنام و حزب شما آرزو می نماید .

۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ - نودمین زادروز رفیق هوشی مین - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اعدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد است :

" باید بدانند ماشه را به خاطر چه و به سوی چه کسانی ... بقیه از صفحه ۱

کرده اند . فرار پرسنل انقلابی ارتش از نقاط مختلف کردستان و خودداری آنان از شرکت در جنگ برادر گشی کردستان هر روز دامنه وسیعتری می گیرد . مبارزات پرسنل انقلابی ارتش ، ادامه مبارزاتی است که بر محور استقرار شوراهای سربازان ، درجه داران ، همافران و افسران جزا به منظور ایجاد یک ارتش مردمی و دارای پیوندهای استوار با زحمتکشان صورت می گیرد .

این مبارزه که در تمام دوران بعد از قیام تاکنون ادامه داشته همواره توسط فرماندهان ارتش و حامیان آنان به اشکال مختلف سرکوب شده و از رشد و اعتلای آن ممانعت به عمل آمده است . اعدام ستوانیار آخرین اقدام سرکوبگرانه ای است که در این زمینه صورت گرفته است . اعدام ستوان یار سوم ، بقیه در صفحه ۴

نظامیان سرکوبگر در کردستان فاجعه می آفرینند و بر مبنای ۹ واحد ضرب حقوقی از شورای انقلاب ! جایزه می گیرند !!

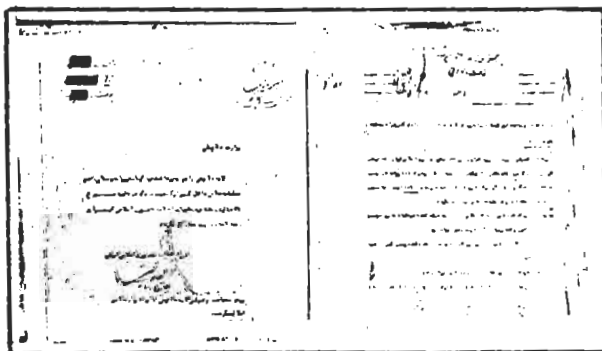
شورای انقلاب در تعقیب برنامه همه جانبه برای سرکوب خلق کرد از آغاز تهاجم به کردستان در فروردین ۵۸ با پرداخت ۹ واحد ضرب حقوقی به نظامیانی که در کشتار هم میهنان کرد ما شرکت می کنند ، به استخدام مزدور پرداخته است . مبلغ اضافه شده به حقوق این عاملین کشتار خلق ، در واقع چیزی نیست جز بخش ، از حاصل دسترنج کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران اعم از کرد ، ترک ، ترکمن ، بلوچ ، عرب و فارس که بدینگونه توسط شورای انقلاب برای کشتار خود آنان به مصرف می رسد . نکته قابل توجه دیگر اینکه مبلغ فوق علاوه بر فوق العاده روزانه ای است که نظامیان در حین ماموریت سرکوبگرانه خود دریافت می دارند .

من سند :

جمهوری اسلامی ایران
وزارت دفاع ملی
لایحه قانونی پرداخت فوق العاده روزانه پرسنلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند : ماده واحده

به هر یک از (افسران ، درجه داران و همافران) در مسلح جمهوری اسلامی ایران (اعم از کادر ثابت و وظیفه) که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند علاوه بر فوق العاده روزانه که به موجب مقررات مربوط به آنان تعلق می گیرد ، برای هر روز شرکت در عملیات بر مبنای ۹ واحد ضرب حقوقی بعنوان فوق العاده ماموریت عملیات نظامی پرداخت می گردد .

تبصره ۱ - فوق العاده ماموریت عملیات نظامی سراسر وظیفه شرکت کننده در عملیات سنندج در این قانون روزانه بر مبنای ۱ صریح حقوقی خواهد بود .
تبصره ۲ - از فوق العاده ماموران مشمول این قانون نان غذا و محل سکونت وجهی کسر نخواهد شد .
تبصره ۳ - مقررات این قانون از تاریخ ۵۸/۱/۱ قابل اجرا می باشد .
تبصره ۴ - نوع و مدت عملیات نظامی را ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تعیین می نماید .
(خوانان نیست) شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران مورخه ۵۸/۸/۲۹
امضاء قطب زاده چمران



من سند :

بسمه تعالی
شورای انقلاب
جمهوری اسلامی ایران

وزارت دفاع ملی
لایحه قانونی راجع به پرداخت فوق العاده پرسنلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند که در جلسه مورخ ۵۸/۸/۲۹ به تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران رسیده است به پیوست ابلاغ می گردد .
شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران
امضاء محمد حسین بهشتی
۵۸/۹/۱۴

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر